



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

شهر  
ساز  
شهر  
ساز



# معداد در قرآن

نمونه فیش سخنرانی  
ویژه ماه مبارک رمضان  
دهه دوم

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکزی اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
تاسیس: ۱۳۶۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهد سخن ۴: معاد در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه دوم ماه مبارک رمضان)

نویسنده:

گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	شاهد سخن ۴: معاد در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه دوم ماه مبارک رمضان)
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۴	مقدمه
۲۲	۱- مرگ
۲۲	انگیزه سازی
۲۴	اقتناع اندیشه
۲۶	پرورش احساس
۲۸	رفتار سازی
۳۰	روضه
۳۲	۲- قبر
۳۲	انگیزه سازی
۳۳	اقتناع اندیشه
۳۶	پرورش احساس
۳۸	رفتار سازی
۳۹	روضه
۴۲	۳- برزخ
۴۲	انگیزه سازی
۴۴	اقتناع اندیشه
۴۵	پرورش احساس
۴۷	رفتار سازی
۴۹	روضه

۵۰	۴-محشر و قیامت
۵۰	انگیزه سازی
۵۲	اقتناع اندیشه
۵۴	پرورش احساس
۵۵	رفتار سازی
۵۷	روضه
۶۰	۵-شفاعت و امام حسن مجتبی (علیه السلام)
۶۰	انگیزه سازی
۶۱	اقتناع اندیشه
۶۴	پرورش احساس
۶۶	رفتار سازی
۶۸	مولودی
۷۰	۶-میزان اعمال ، نامه اعمال ، حوض کوثر
۷۰	انگیزه سازی
۷۲	اقتناع اندیشه
۷۴	پرورش احساس
۷۶	رفتار سازی
۷۷	روضه
۸۰	۷-پل صراط
۸۰	انگیزه سازی
۸۱	اقتناع اندیشه
۸۳	پرورش احساس
۸۶	رفتار سازی
۸۸	روضه
۹۰	۸-جهنم
۹۰	انگیزه سازی

۹۲	.....	اقتناع
۹۳	.....	پرورش احساس
۹۵	.....	رفتار سازی
۹۸	.....	روضه
۱۰۰	.....	۹- بهشت - باب شرط ورود ولایت امیرالمومنین (علیه السلام)، تقسیم النار و الجنة
۱۰۰	.....	انگیزه سازی
۱۰۱	.....	اقتناع اندیشه
۱۰۴	.....	تحریک احساس
۱۰۶	.....	رفتار سازی
۱۰۸	.....	روضه
۱۱۰	.....	۱۰- ولایت الله و ولایت الرسول و ولایت ائمه علیهم السلام
۱۱۰	.....	انگیزه سازی
۱۱۱	.....	اقتناع اندیشه
۱۱۴	.....	پرورش احساس
۱۱۶	.....	رفتار سازی
۱۱۷	.....	روضه
۱۲۰	.....	۱۱- شرایط استجابات دعا
۱۲۰	.....	انگیزه سازی
۱۲۱	.....	اقتناع اندیشه
۱۲۳	.....	پرورش نیت
۱۲۵	.....	رفتار سازی
۱۲۷	.....	روضه
۱۳۰	.....	فهرست تفصیلی
۱۳۵	.....	درباره مرکز

## شهد سخن ۴: معاد در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه دوم ماه مبارک رمضان)

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۴: معاد در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه دوم ماه مبارک رمضان) / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۲۶ ص

زبان: فارسی

موضوع: قبر

موضوع: مرگ - برزخ

موضوع: قیامت - شفاعت

موضوع: بهشت و جهنم

ص: ۱

### اشاره



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

شهد سخن ۴

معاد در قرآن

(نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه دوم ماه مبارک رمضان)

ص: ۳

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۴

معاد در قرآن

(نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه دوم ماه مبارک رمضان)

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۲۶ ص

ص: ۴

## فهرست

تصویر

□

ص: ۵



ماه مبارك رمضان «شهر الله» است و ماه نزول قرآن، «كلام الله» است و رهاورد رسالت حضرت محمد (صلى الله عليه و آله) «رسول الله». ماه عروج و شهادت امير مؤمنان على (عليه السلام) «ولى الله». ماه تبليغ معارف اهل بيت عليهم السلام است كه آل الله اند.

در اين ايام كه مصداق حقيقى «ايام الله» اند و بهار معارف قرآن و اهل بيت (عليهم السلام)، مساجد كه «بيوت الله» اند، ميعدگاه جان هاى زنده و قلوب مستعدى هستند كه آماده پذيرش كلام وحى و مفسران حقيقى قرآنند.

آنچه در اين ايام و ليالى بيش از هر چيز مورد تقاضا و درخواست مخاطبان مؤمن منابر و محافل مذهبي و دينى است، سلسله مباحث معنوى، اخلاقى و معرفتى است كه برگرفته از قرآن و روايات و سيره ي معصومان عليهم السلام باشد و در قالبى نو و با بيانى رسا و ارائه اى دلنشين عرضه گردد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای رسالت خود در ارائه خدمات فرهنگی، تبلیغی مجموعه ای از منشورات و مقالات و

کتاب های سودمند را به مناسبت ماه مبارک رمضان و مناسبت های دیگر تهیه و تدارک دیده است. این جزوه حلقه ای از سلسله محصولات محتوایی است که مباحث گوناگون معرفتی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی را بر اساس روش های موجود منبر و خطابه- که از سلف صالح برایمان به یادگار مانده است- تألیف و فرآوری کرده است. از تلاش های محققین و فضلاء مؤسسه تخصصی خطابه امیربیا و همکاران محترم دفتر مطالعات و پژوهش های قم در تهیه و ارائه این مجموعه محتوایی قدردانی می شود.

نقدها و نظرات و پیشنهادهای سازنده شما بزرگواران راهنمای راه آینده ما خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمه الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی

ص: ۸

إِنْ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»(۱)

قرآن کتاب هدایت است و سزاوار است به عنوان منبعی در استخراج روشهای هدایت مورد توجه مبلغان دینی قرار گیرد. با اندکی تأمل بر آمارهای قرآنی می توان به نتایج قابل توجهی پیرامون شیوه تربیت و هدایت در قرآن دست یافت. به نمونه ای از این آمارها که مبنای موضوعات فیش های این مجموعه قرار گرفته است، اشاره می کنیم:

وقتی به موضوعات مطرح شده در ۶۶۳۶ آیه قرآن توجه می کنیم، در می یابیم: بیش از دو هزار آیه به صورت مستقیم و غیر مستقیم به معرفت اسماء و صفات خداوند متعال می پردازد؛

حدود دو هزار آیه به معاد و مواقف بعد از مرگ و نتایج اعمال در دنیای پس از مرگ می پردازد؛ و حدود دو هزار آیه به داستان های انبیاء و مسأله نبوت و ولایت مربوط است.

این در حالی است که تعداد آیات قرآنی پیرامون فروع دین؛ مانند حجاب ۴ آیه، غیبت ۱ آیه، نگاه حرام ۲ آیه، امر به معروف و

ص: ۹



نهی از منکر ۳۷ آیه است، حتی تعداد آیات مربوط به موضوعات مهمی مانند نماز و جهاد به ترتیب از ۹۸ و ۴۱ آیه تجاوز نمی کند. شاید بشود گفت؛ همه این موضوعات فرعی در مجموع تقریباً ۶۳۶ آیه را شامل می شود.

مقایسه تعداد آیات پیرامون خدا، قیامت و ولایت با بقیه موضوعات اخلاقی و احکامی نشان می دهد که برای شکل گیری رفتارهای دینی، باید ایمان به پایه های اعتقادی را در فرد مستحکم کرد. در عالم خارج هم این نظریه قابل اثبات است که هر جا فرد در انجام حکمی از احکام دین کوتاهی می کند به خاطر ضعف در یک یا چند پایه اعتقادی اوست؛ به عنوان مثال، اگر کسی خمس نمی دهد یا در کسب و کارش حلال و حرام را رعایت نمی کند، اعتقادش به رزاقیت الهی و عذاب سخت کسب حرام در قیامت ضعیف است، و گرنه هرگز مرتکب این رفتارها نمیشد، همچنان که اگر از متدینین اهل تقوی و رعایت احکام شرع پرسیده شود چه عاملی موجب تقید آنها به احکام و اخلاق دینی است، پاسخ آنها از چند حالت خارج نخواهد بود؛ یا به خاطر جلب رضایت الهی و علاقه به حضرت حق است، یا ترس از عقاب و امید به پاداش اخروی، و یا محبت به ولایت و اطاعت پذیری از حضرات اهل بیت ا. بنا بر این، اگر بخواهیم تغییری در رفتارهای مخاطبان خود ایجاد کنیم، لازم است ابتدا زیر ساختهای اعتقادی آنها را استحکام ببخشیم و در ضمن تبیین زیر بناهای اعتقادی، مفاهیم اخلاقی را برای آنها تبیین نموده تا تأثیر گذار باشد.

در کل فیش های سخنرانی این مجموعه که برای پذیرایی شما عزیزان از مهمانان ماه خدا تدارک دیده شده است، این مبنای قرآنی لحاظ شده است. در دهه اول ماه مبارک، صفات و اسماء الهی؛ دهه دوم، معاد و مواقف بعد از مرگ؛ و دهه سوم، مفاهیم مرتبط با ولایت اهل بیت ا مورد بحث قرار گرفته است و در هر جلسه یک پیام اخلاقی در ضمن موضوع فیش (در قسمت رفتار سازی) مورد توجه قرار داده شده است. موضوعات و پیام های ۳۴ جلسه به ترتیب ذیل می باشد:

\*خداشناسی در قرآن

موضوعات / پیام ها

فرصت ماه میهمانی خدا / تقوا

آشنایی با میزبان / یاد خدا در همه کارها

رحمت واسعه / حکمت عدم استجابت دعا

غضب الهی / ایمن دانستن خود از عذاب الهی

قدرت الهی / توکل

رزاقیت الهی / مال حرام

علم الهی / در محضر خدا معصیت نکنید

غفار الذنوب / بخشش دیگران

ربوبیت، مالکیت، خالقیت / فلسفه احکام

خدا شناسی حضرت خدیجه علیها السلام / انفاق برای یاری دین خدا

موضوعات / پیام ها  
مرگ / وصیت کردن  
قبر / بد اخلاقی با خانواده  
برزخ / امانت داری  
محشر و قیامت / صبر در مشکلات  
شفاعت و امام حسن مجتبی علیه السلام / گره گشایی از برادران دینی  
میزان اعمال، نامه اعمال، حوض کوثر / حسن خلق  
پل صراط / حق الناس  
جهنم / عجب و خود شیفتگی  
ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، شرط ورود به بهشت، قسیم النار والجنة /  
رسیدگی به ایتام  
ولایت الله و ولایت رسول صلی الله علیه و آله و ولایت ائمه علیهم السلام / ولایت فقیه

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و پاسخ به شبهات، اهل سنت / دفاع از ولایت  
معرفت به امام / درک محضر امام  
امام زمان علیه السلام و شب قدر / خمس  
حب اهل بیت علیهم السلام، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان / تربیت فرزند  
اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، شیعه و ویژگی ها / تقیه  
دفاع از شیعه ۱. پاسخ به شبهات وهابیت / زیارت اهل بیت علیهم السلام  
دفاع از شیعه ۲. پاسخ به شبهات وهابیت / توسل به ائمه اطهار علیهم السلام  
مقام شیعه در قیامت / هدایت دیگران  
شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان علیه السلام / زمینه سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام  
رجعت و بازگشت امامان و شیعیان شان و حکومت صالحان در زمین / ایمان

موضوعات / پیام ها

دعا / حسن ظن به خدا

شرایط استجاب دعا / امر به معروف و نهی از منکر

آداب دعا / رضایت به اراده الهی

عید فطر / مراقبه و محاسبه اعمال

امیدواریم تلاش خدمتگزاران شما در مرکز مطالعات و پژوهش های امور مساجد و موسسه تخصصی خطابه امیر بیان مورد استفاده شما آبادگران سنگرهای مساجد قرار گیرد و موجبات رضایت خداوند متعال را که میزبان مهربان این ماه عزیز است، فراهم نماید، ان شاء الله.

مدیر موسسه تخصصی خطابه امیر بیان



مادرش می گوید: لحظه ای که محمدرضا را کنار قبر گذاشتند و درِ تابوت را باز کردند، همه آمدند و با شهید خداحافظی کردند. من یک مفاتیح برداشتم و گوشه ای دورتر از قبر نشستم. مشغول زیارت عاشورا بودم که شهید را بلند کردند و در قبر گذاشتند. همین که من رسیدم به فراز «السلام علیک یا اباعبدا...» یک دفعه شنیدم که پدرش با صدای بلند می گفت: مادرش را بگویید بیاید. ابتدا تصور کردم به خاطر آخرین لحظه دیدار و وداع با فرزندم مرا صدا می زنند، ناگهان پدر شهید و تمام جمعیت یک صدا فریاد زدند: شهید دارد می خندد! ولی آن لحظه باور نکردم، گفتم شاید احساساتی شده اند؛ آخر مگر می شود جسدی که پنج روز در سردخانه بوده و گردنش

به حدی خشک بود که ما مجبور شدیم برای در آوردن پلاک، زنجیر را پاره کنیم، بخندد؟ آری! او لبان مطهرش را به خنده باز کرده بود. وقتی وصیت نامه او را دیدیم، به راز این لبخند پی بردیم. او در وصیت نامه اش نوشته بود: خدایا دوست دارم در هنگام خاک سپاری لبخند بر لبانم باشد!

شهید محمد رضا حقیقی کسی است که حاج آقا قرائتی در سفری که به خوزستان داشتند، در شهر اهواز با خانواده ایشان ملاقات کرده و در مورد عظمت این حالات شهید گفته بودند: حاضر هستم تمامی ثواب جلسات تفسیر قرآن صدا و سیما را در این سال ها از من بگیرند، ولی در قبر به من چنین لبخندی عنایت کنند. (۱)

روزی که تو آمدی ز مادر عربان

مردم همه خندان و تو بودی گریان

کاری بکن ای بشر که روز رفتن

مردم همه گریان و تو باشی خندان

به قول خود شهید حقیقی:

روز مرگم نفسی وعده دیدار بده

وانگهم تا به لحد خرم و دلشاد ببر

ص: ۱۶

خداوند متعال می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (۱)

این که همه می میرند یقینی است و گریزی از آن نیست؛ چیزی که مهم است گوارا یا تلخ بودن طعم مرگ است که ما با اراده خود می توانیم آن را تعیین کنیم؛ مرگ تلخ یا مرگ شیرین.

عَنْ يَحْيَى بْنِ سَابُورَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «الْمَيِّتُ تَدْمَعُ عَيْنُهُ عِنْدَ الْمَوْتِ فَقَالَ ذَلِكَ عِنْدَ مُعَايِنَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَرَى مَا يَسْرُهُ قَالَ ثُمَّ قَالَ تَرَى الرَّجُلَ يَرَى مَا يَسْرُهُ فَتَدْمَعُ عَيْنُهُ وَ يَضْحَكُ» (۲)

«چشم انسان هنگام مرگ اشک می ریزد و این در وقتی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله را می بیند و از شوق و سرور می گرید.» راوی می گوید: سپس امام علیه السلام فرمودند: «انسان چیزی می بیند که مسرور شده، در نتیجه اشک از چشم هایش جاری می گردد و می خندد.» (۳)

یکدعا می کنم، با تمام وجودت آمین بگو! خدایا ما را جزء کسانی قرار بده که به محض فرو بستن چشم از این دنیا، چشمان به جمال دل آرای آقا رسول الله محمد مصطفی صلی الله علیه وآله روشن شود.

اما یک سؤال: آیا این شوق و سرور به هنگام جان دادن برای همه انسان هاست؟ مرگی که استقبال کننده اش آقا رسول الله باشد باید خیلی زیبا باشد

ص: ۱۷

۱- آل عمران / ۱۸۵.

۲- علل الشرائع، ابن بابویه، ج ۱، ص: ۳۰۷. قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش.

۳- همان، ص ۹۶۳.



آنقدر زیبا که بهخاطرش اشک شوق بریزیم. پس چرا با این وجود از مرگ می ترسیم؟

اگر انسان برابعد از مرگ خود، زاد و توشه لازم را برداشته باشد؛ کار خلاف نکرده باشد؛ راه را بداند؛ مقصد را در نظر گرفته باشد؛ دوستانش افراد صالحی بوده و حرکتش طبق قاعده باشد، نگرانینخواهد داشت.

اگر بخواهیم سفر به سوی آخرت را به سفرهای دنیوی تشبیه کنیم، می بینیم که نگرانی های یک راننده در مسافرت، می تواند دلایل مختلفی داشته باشد: (۱)

الف) گاهی نگرانی به خاطر کمبود بنزین است، امّا کسی که برای آخرت خود توشه برداشته است، نگران نیست. «تزوّدوا فانّ خیر الزّاد التقوی» (۲)

ب) گاهی نگرانی به خاطر دزدی بودن وسیله نقلیه می باشد، امّا کسی که در آمدش حلال است، نگران نیست.

ج) گاهی نگرانی برای جنس قاچاقی است که به همراه دارد، اما کسی که بار گناه به دوش ندارد، نگران نیست.

د) گاهی نگرانی به خاطر همسفران نادرست و خلافکار است، ولی کسی که در دنیا همراه و همنشین ابرار و نیکان بوده، نگران نیست.

از ابوذر پرسیدند: چرا از مرگ می ترسیم؟ فرمود: «انکم عمّرتم

ص: ۱۸

---

۱- پرسش های مهم، پاسخ های کوتاه (تمثیلات)، آقای قرائتی، ص ۳۰.

۲- بقره/ ۱۹۷.

## پرورش احساس

امیرالمومنین علیه السلام در بیان لحظات سكرات موت می فرمایند: وقتی مرگ به سراغانسان می آید، رنگ از چهره می پرد؛ زبان می گیرد و انسان هنوز می بیند و می شنود، ولی دیگر قدرت حرف زدن ندارد؛ با خود فکر می کند که عمرش را در چه راهی صرف و ایامش را در چه مسیری گذرانده است.

امام می فرماید: محتضر در آن لحظه از اموال و ثروتی که در طول عمرش جمع کرده، یاد می کند و با خود می گوید: این اموال را از چه راهی به دست آوردم؟ چرا فکر حلال و حرام آن نبودم؟ الآن گناه و حسابش با من و لذت و بهره اش با دیگران است.

مأمور مرگ همچنان روح او را از اعضای بدنش جدا می کند، تا اینکه فقط چشمانش می بیند و به اطراف خود نگاه می کند و تلاش و وحشت و حرکات اطرافیان را مشاهده کرده، اما حرفی نمی تواند بزند و در لحظه آخر، روح از چشمش هم گرفته می شود و او در میان خانواده، دوستان و بستگان همچون مرداری می افتد و همه از او می ترسند و از او دور می شوند و پس از اندکی او را به خاک و به عملش سپرده و همگی بر می گردند. (۲)

سعید بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) به هنگام مرگ جوانی بر بالین وی حاضر شد، به او

ص: ۱۹

۱- . الكافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲- . نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹

فرمود: بگو: لا اله الا الله!

پس چندین بار زبانش گرفت. حضرت به زنی که بر بالین او نشسته بود، فرمود: این جوان مادر دارد؟ عرض کرد: آری، منم مادرش. فرمود: تو بر او خشمگین و از او ناراضی هستی؟ عرض کرد: آری، شش سال است که با او سخن نگفته‌ام. حضرت به او فرمود: از وی راضی شو! عرض کرد: خداوند از او راضی باشد به رضایت شما، ای رسول خدا!

پس رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) به آن جوان فرمود: بگو: لا اله الا الله، و او گفت.

پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به او فرمود: چه می بینی؟ گفت: مردی سیاه چهره، زشت رو، با لباس چرک و بدبو، که در این لحظه نزدیکم آمده و گلویم را گرفته و می فشارد. پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به او فرمود: بگو:

«يا من يقبل اليسير، و يعفو عن الكثير، اقبل مني اليسير، و اعف عني الكثير، انك أنت الغفور الرحيم.»

«ای کسی که عمل اندک را می پذیری، و از گناهان فراوان در می گذری، عمل اندک را از من بپذیر، و از گناهان فراوان من بگذر، همانا که تو بخشنده و مهربانی.»

پس جوان این کلمات را گفت، پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به او فرمود: نگاه کن! چه می بینی؟ گفت: مردی را می بینم سپید چهره، زیبا رو، خوشبو، و خوش لباس که نزدیکم آمده، و آن مرد سیاه را می بینم که از من رو گرداند و دور شد. حضرت فرمود: دعا را تکرار کن. او تکرار کرد، فرمود: چه می بینی؟ گفت: دیگر آن مرد سیاه را

نمی بینم، و این مرد سپید را می بینم که نزدیکم آمده است. سپس بر همین حالت جان سپرد. (۱)

## رفتار سازی

برای مرگی که همه ما را در بر می گیرد، مقدماتی لازم است که باید انجام دهیم والا مشکلات عدیده ای خواهیم داشت. یکی از وظائف انسان قبل از مرگ، وصیت کردن است.

اگر در کسی نشانه های مرگ ظاهر شود، واجب است آنچه از اموال مردم در نزد اوست (مانند امانات، سرمایه، و...) به صاحبانش برگرداند و نیز آنچه از حق الناس بر ذمه دارد (مانند قرض، نسیه، و...) ادا کند و اگر خود نمی تواند، واجب است وصیت نموده و به ورثه اعلام کند.

«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتَ أَنْ تَرَكَ خَيْرًا لَوَصِيَّهِ.» (۲)

بعضی ها فکر می کنند که اگر وصیت کنند، زودتر می میرند! در حالی که وقت اجل مشخص است و وصیت کردن یا وصیت نکردن باعث تأخیر یا جلو افتادن اجل نمی شود؛ اینها بهانه های شیطان برای ضایع شدن حقوق دیگران است.

وقتی خواستند حضرت مسلم علیه السلام را به شهادت برسانند، فرمود: می خواهم وصیت کنم. سه وصیت داشت؛ وصیت اولش این بود که هفتصد درهم بدهکار هستم!

یعنی اگرچه از مردم ناراحتم، حق مردم را باید داد.

ص: ۲۱

---

۱- [۲] الأُمَالِي (للمفید)، ترجمه استاد ولی، متن، ص ۳۲۴.

۲- . بقره / ۱۸۰.

قال رسول الله (صلى الله عليه و اله و سلم):

«ما يَبْغَى لامرئٍ مُسلمٍ أن يبيتَ ليلَهُ إلا ووصيَّتُهُ تحتَ رأسِهِ» (۱)

بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شبی را سپری کند، مگر این که وصیتش زیر سرش باشد.

ما باید وظیفه خود را انجام دهیم، و ورثه را دچار سردر گمی نکنیم؛ چه بسا همین کوتاهی ما، و امروز و فردا کردن ما و بدون وصیت از دنیا رفتن، باعث ناراحتی و تضييع حقوق برخی از ورثه شود، و این حق الناس است که گناه بسیار بزرگ و سختی است و در قیامت و برزخ گریبان ما را خواهد گرفت.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كُلُّ ذَنْبٍ يُكْفِرُهُ الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا السَّيِّئَ لَا كَفَّارَةَ لَهُ إِلَّا أَدَاؤُهُ أَوْ يَفْضِي صَاحِبَهُ أَوْ يَغْفُوَ الَّذِي لَهُ الْحَقُّ» (۲)

در روایات می خوانیم: شهید تمام گناهانش بخشیده می شود جز حق الناس.

آیه الله نجابت نقل می کند: وقتی که بنده مشرف شدم خدمت ایشان (مرحوم سید علی آقا قاضی) فرمودند: هر حقی که هر کس بر گردن تو دارد باید ادا کنی.

خدمت ایشان عرض کردم: مدتی قبل بین شاگردهایم که نزد بنده درس طلبگی می خواندند، یکی خوب درس نمی خواند، بنده

ص: ۲۲

---

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۱۹۴ و منتخب میزان الحکمه، ص ۵۹۴.

۲- [۳] کافی، ج ۵، ص ۹۴.

ایشان را تنبیه کردم. اذن از ولی او هم داشتم در تربیت، درضمن، این جا هم نیست که از او طلب رضایت کنم.

فرمودند: هیچ راهی نداری، باید پیدایش کنی. گفتم: آدرس ندارم، گفتند: باید پیدا کنی!

آقای قاضی فرمودند: هر حقی که بر گردنت باشد، تا ادا نکنی، باب روحانیت، باب قرب، باب معرفت باز شدنی نیست. یعنی این ها همه مال حضرت احدیت است. و حضرت احدیت رضایت خود را در راضی شدن مردم قرار داده است. (۱)

## روضه

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز دوم محرم به زمین کربلا- رسیدند. زمین کربلا- متعلق به قبیله بنی اسد بود. اباعبدالله وقتی که وارد زمین کربلا- شد، آن زمین را به ۶۰ هزار درهم از اهل نینوا و غاضریه خرید. وقتی علت را از ایشان پرسیدند، فرمود: نمی خواهم من و یارانم در سرزمین غصبی شهید شویم. می خواهم جایی که دفن می شویم، پاک باشد و غصبی نباشد. (۲)

وقتی آن حضرت علیه السلام وارد کربلا- شدند، پرسیدند: نام این زمین چیست؟ عرض شد: کربلا. آن جناب علیه السلام فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُرْبِ وَالْبَلَاءِ؛ بارالها! من از اندوه و بلا به تو پناه می برم.» (۳)

ص: ۲۳

---

۱- . پرتو سخن، شماره ۶۳۰ و پایگاه اطلاع رسانی آیت الله صفایی بوشهری.

۲- . پرسش و پاسخ درباره ی وضعیت فیزیکی کربلا، دکتر سنگری.

۳- . حکایت عاشقی، محمدرضا حاتم پوری کرمانی، ج ۷.

و خدا می داند این جمله با دل حضرت زینب کبری علیها السلام چه کرد

ص: ۲۴

**۲-قبر****انگیزه سازی**

روزی شیخ بهایی به دیدار یکی از مردان وارسته که در حجره یکی از قبرستان های اصفهان زندگی می کرد، رفت. آن عارف به شیخ بهاء گفت:

روز گذشته در این قبرستان حادثه عجیبی را مشاهده نمودم؛ دیدم جماعتی جنازه ای را آوردند و در این قبرستان در فلان محل به خاک سپردند و رفتند. پس از ساعتی بوی بسیار خوشی به مشام رسید، حیران بودم و به راست و چپ نگاه می کردم تا بدانم این بو از کجاست، ناگاه دیدم جوان زیبا چهره ای که لباسی فاخر به تن داشت، در قبرستان عبور می کند. او رفت تا به آن قبر رسید و کنار آن قبر نشست، ناگهان دیدم مفقود شد، گویا وارد آن قبر گردید.

ص: ۲۵



پس از مدتی ناگاه بوی بسیار ناراحت کننده و بدی به مشام رسید. نگاه کردم و دیدم سگی حرکت کرد، آن سگ به کنار همان قبر رفت و همانجا پنهان شد. تعجب کردم و در همین حال بودم که ناگاه دیدم آن جوان زیبا چهره، از قبر بیرون آمد؛ در حالی که مجروح شده بود و بسیار ناراحت به نظر می رسید، از همان راهی که آمده بود، بازمی گشت. من به دنبال او رفتم و از او خواهش کردم که حقیقت را برای من بگوید.

آن جوان گفت: من عمل نیک این مُرده بودم و مأمور بودم که در قبر با او باشم، این سگ هم اعمال ناصالح او بود، من خواستم او را از قبر بیرون کنم و از صاحبم دفاع نمایم، ولی آن سگ مرا دندان گرفت و بر من غالب گردید، ناچار از قبر بیرون آمدم، آن سگ نگذاشت که من با صاحبم در قبر بمانم. شیخ بهایی پس از شنیدن این حادثه عجیب گفت: راست گفتی، چرا که ما اعتقاد داریم اعمال انسان به صورت های مناسب خود، مجسم می گردد. (۱)

### اقناع اندیشه

بعضی از ما وقتی که روی این زمین راه می رویم، مواظبیم که مبادا گرد و غباری از روی این زمین بر روی لباس ما بنشیند، غافل از اینکه منزل بعدی ما جهت اسکان تا روز قیامت، همین زمین است. انتخاب نوع این منزل به دست خود ماست. خداوند متعال می فرماید:

ص: ۲۶

---

۱- . عالم برزخ در چند قدمی ما، محمدی اشتهاردی، انتشارات نبوی، چاپ هفتم، ص ۱۶۷.

«فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ» فَرُوحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّتْ نَعِيمٌ... وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَادِّبِينَ الضَّالِّينَ» فَنَزَلَ مِنْ حَمِيمٍ\* وَ تَصْلِيهِهُ جَحِيمٍ» (۱)

خداوند دو نوع منزل را برای اقامت تا قیامت به ما معرفی می نماید، انتخاب با شماست!

خصوصیات منزل اول:

"روح" (بر وزن قول) در اصل به معنی "تنفس" و "ریحان" به معنی شیء یا گیاه خوشبو است، بنابراین می توان گفت: "روح" اشاره به تمام اموری است که انسان را از ناملايمات رهایی می بخشد تا نفسی آسوده کشد، و اما "ریحان" اشاره به مواهب و نعمت هایی است که بعد از رفع ناملايمات عائد انسان می گردد.

بعد از ذکر "روح" و "ریحان"، سخن از "جَنَّتْ نَعِيمٌ" (بهشت پر نعمت) به میان آورده، که اشاره به این دارد که روح و ریحان در قبر به سراغ مؤمنان می آید و بهشت در آخرت، امام صادق علیه السلام در توصیف این نوع منزل فرمود:

«إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ إِلَى قَبْرِهِ \_ هفتاد هزار فرشته او را تا قبرش تشییع کنند \_ فَإِذَا أُدْخِلَ قَبْرَهُ أَتَاهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ فَيَقْعِدَانِهِ وَ يَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ وَ مَا دِينُكَ وَ مَنْ نَبِيِّكَ فَيَقُولُ رَبِّي اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيِّي وَ الْإِسْلَامُ دِينِي. بعد از پاسخ به نکیر و منکر؛ فَيَفْسَخَانِ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ \_ قبرش را تا جایی که چشم می بیند وسیع می کنند \_ وَ يَأْتِيَانِهِ بِالطَّعَامِ مِنَ الْجَنَّةِ \_ از طعام بهشتی برای او

ص: ۲۷

می آورند و یُدْخِلَانِ عَلَيْهِ الرُّوحَ وَ الرِّيحَانِ وَ ذَلِكُمْ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ - فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ يَغْنِي فِي قَبْرِهِ وَ جَنَّةٌ نَعِيمٌ يَغْنِي فِي الآخِرَةِ.»

و اما منزل دوم:

فَنَزَلَ مِنْ حَمِيمٍ

"حمیم" به معنی آب داغ و سوزان یا بادهای گرم و سموم است، و "تصلیه" از ماده "صلی" (بر وزن سعی) به معنی سوزاندن و داخل شدن در آتش است، اما "تصلیه" تنها به معنی سوزاندن می آید.

امام صادق علیه السلام در ادامه همان روایت به توصیف این منزل می پردازند:

إِذَا مَاتَ الْكَافِرُ شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الرِّبَانِيَّةِ إِلَى قَبْرِهِ - هفتاد هزار دوزخیان او را تا قبرش همراهی می کنند - فَإِذَا أُدْخِلَ قَبْرَهُ وَ فَارَقَهُ النَّاسُ أَتَاهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ فِي أَهْوَالِ صُورِهِ فَيَقِيمَانِهِ ثُمَّ يَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ وَ مَا دِينُكَ وَ مَنْ نَبِيِّكَ فَيَتَلَجَّلِحُ لِسَانُهُ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْجَوَابِ فَيَضْرِبَانِهِ ضَرْبَةً مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يُذَعَّرُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ - به او ضربتی از عذاب خدا بزنند که هر چیزی از آن ترسد و لرزد - ثُمَّ يَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ وَ مَا دِينُكَ وَ مَنْ نَبِيِّكَ فَيَقُولُ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ لَهُ لَا دَرَيْتَ وَ لَا هُدَيْتَ وَ لَا أَفْلَحْتَ ثُمَّ يَفْتَحَانِ لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ وَ يُنْزِلَانِ إِلَيْهِ الْحَمِيمَ مِنْ جَهَنَّمَ - سپس دری از دوزخ به روی او باز کنند و حمیم دوزخ برایش آورند - وَ ذَلِكُمْ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ فَنَزَلَ مِنْ حَمِيمٍ يَغْنِي فِي الْقَبْرِ وَ

## پرورش احساس

مرحوم سید جمال الدین گلپایگانی رضوان الله تعالی علیه نقل می کنند:

در ایام جوانی، پنجشنبه و جمعه ها می رفتم تخته فولاد و مقداری در عالم ارواح و مرگ تفکر می کردم. یک شب زمستانی که هوا هم خیلی سرد بود و برف آمده بود، به قبرستان آمدم. شب را در یکی از مقبره ها بودم. تا دستمالم را باز کردم و خواستم شروع به غذا خوردن کنم، جنازه ای را وارد آن مقبره کردند تا یک نفر تا صبح برایش قرآن بخواند. همین که مشغول غذا خوردن شدم، دیدم ملائکه عذاب آمدند. چنان گرزهای آتشین بر سر او می زدند که آتش به آسمان زبانه می کشید و این مرد چنان نعره می زد که تمام قبرستان به لرزه افتاده بود. ولی قاری متوجه نمی شد. من از حال رفتم، لقمه در گلویم گیر کرد، بدنم می لرزید، هر چه به قاری گفتم در را باز کن نمی فهمید. زبانم قفل شده بود، بالاخره به او فهماندم و بیرون آمدم. تا اصفهان راهی نبود، ولی چندین بار زمین خوردم. آمدم حجره، یک هفته مریض بودم.

اگر می خواهیم جزء کسانی باشیم که از فشار قبر خلاصی می یابند، الآن حق انتخاب داریم. امام صادق علیه السلام در جواب ابوبصیر که پرسید آیا کسی از فشار قبر خلاصی دارد؟ فرمودند:

«نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا مَا أَقَلَّ مَنْ يَفْلِتُ مِنْ ضَعْفَةِ الْقَبْرِ» (۲)

ص: ۲۹

۱- . أمالی الصدوق، ص ۲۹۱.

۲- . الکافی، ج ۳، ص ۲۳۶.

از فشار قبر به خدا پناه می برم. چقدر اندک اند کسانی که از فشار قبر رهایی پیدا می کنند.

سعد بن معاذ یکی از اصحاب مقرب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در بسیاری از جنگ ها در رکاب حضرت شمشیر زد.

در مقام سعد همین بس که هنگامی که تابوت او را برداشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله با پای و سر برهنه شخصاً جلو تابوت را گرفته بود... و فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست او است، هفتاد هزار فرشته، جنازه سعد را تشیع می کردند.

همچنین مقام سعد در درجه ای بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: مژده باد به تو! خداوند پایان عمرت را با شهادت، ختم کند، و عرش خدا از مرگ تو، به لرزه درآید، و به شفاعت تو، مسلمانان در قیامت به عدد موهای حیوانات قبیله بنی کلب، وارد بهشت می شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصاً جنازه سعد را حنوط کرد، و آن را تا قبرستان بقیع با سر و پای برهنه و بدون عبا حمل نمود، و شخصاً داخل قبر شد و جنازه سعد را به کمک حاضران در میان قبر نهاد و روی قبر را با سنگ و خشت و خاک پوشانید.

وقتی کار دفن به پایان رسید، مادر سعد کنار قبر آمد و گفت: ای سعد، بهشت بر تو گوارا باد!

رسول خدا صلی الله علیه و آله به مادر سعد فرمود:

ای مادر سعد! چیزی را به طور جزم بر خدا حکم نکن. همانا اکنون فشار قبر، سعد را گرفت.

حاضران از آن حضرت پرسیدند: ای رسول خدا! دیدیم که شما

به گونه ای با سعد رفتار کردی که با احدی چنین نکردی، در عین حال فرمودی قبر، او را فشار می دهد، چرا؟!

پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: آری، فشار قبر به خاطر کج خلقی سعد با خانواده اش بود. (۱)

## رفتار سازی

متأسفانه برخی با تندخویی با خانواده خود، سعی در جلب تبعیت اطرافیان دارند، غافل از اینکه این گونه رفتار کردن نه تنها تبعیت خانواده را در پی ندارد و فرزندان که در این خانواده تربیت می شوند از خانه فراری شده و به دامان گناه و فساد و آسیب های اجتماعی گرفتار می شوند، که مجال بیان این مسائل نیست، بلکه باعث فشار قبر و عذاب آخرت نیز می شود.

امیرالمؤمنین و حضرت زهراء سلام الله علیهما نمونه بارز خوش اخلاقی در خانواده اند.

این زوج آسمانی هیچگاه موجبات ناراحتی یکدیگر را فراهم نمی کردند. امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند:

«فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبِضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ.» (۲)

به خدا سوگند که هرگز بر او غضب نکردم، و او را بر امری اکراه ننمودم تا به جوار رحمت حق پیوست، و او نیز هرگز مرا نرنجانید و

ص: ۳۱

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶، ص ۲۲۰.

۲- كشف الغمه في معرفة الأئمة (ط - القديمه)، ج ۱، ص ۳۶۳.

خلاف امر من کاری نکرد، و هر گاه من به ایشان نگاه می کردم غم و اندوهی که داشتم از بین می رفت.

اگر گرفتار بدخلقی هستیم و سریع عصبانی می شویم، راه های مختلفی برای نجات از این بلا وجود دارد، به دو روش اشاره می کنیم:

۱. سکوت در هنگام عصبانیت:

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «دَاوُوا الْعُضْبَ بِالصَّمْتِ وَ الشَّهْوَةَ بِالْعَقْلِ» (۱)

غضب را با سکوت و شهوت را با عقل مداوا کنید.

اگر نتوانستید جلوی خود را گرفته و سکوت کنید، از آن مکان خارج شوید و لحظاتی در هوای آزاد قدم بزنید.

۲. خشم و غضب خود را با وضو گرفتن کنترل کنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أَنَّ الْعُضْبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ أَنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ مِنَ النَّارِ وَ إِنَّمَا يُطْفِئُ النَّارَ الْمَاءُ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ» (۲)

## روضه

امام کاظم علیه السلام به کظم غیظ معروف است، برویم در خانه این امام همام و عرض کنیم:

یا بن رسول الله! به شما لقب باب الحوائج داده اند، آقا جان عنایتی کن در مواقع خشم و غضب خودمان را کنترل کنیم. السلام علیک یا موسی بن جعفرالذی کان یحیی اللیل بالسهرالی السهر،

ص: ۳۲

۱- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۶.

۲- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۰، ص ۲۷۳.

للمعذب في قعر السجون، وظلم المطامير (جای نمناک و مدور و تاریک؛ یعنی آقای ما در سیاه چالی بوده و حتی نمی توانسته پاهایش را دراز کند) (۱)، ذی الساق المرضوض بحلق القيود (۲) (چیزی که با هاون کوبیده شود و به ماهیت قبلی خود برنگردد؛ یعنی پسر فاطمه استخوان پاهایش له شده بوده) به جایی رسید که می فرمود: يَا سَيِّدِي نَجِّنِي مِنْ حَبْسِ هَارُونَ وَ خَلِّصْنِي مِنْ يَدِهِ يَا مُخَلِّصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلِ وَ طِينِ وَ مَاءِ. (۳)

یا موسی بن جعفر علیه السلام

مادرت آمده که بگشاید

از تو زنجیر و کند آهن را

مادرت آمده کند چاره

زخم زنجیر و زخم گردن را

ص: ۳۳

---

۱- . به نقل از آیت الله احمدی میانجی.

۲- . مفاتیح الجنان، زیارت موسی بن جعفر علیه السلام

۳- . أمالی الصدوق، ص ۳۷۷، المجلس الستون.





امام باقر علیه السلام فرمود:

عیسی بن مریم علیه السلام و حواریون از یک آبادی عبور کردند که اهل آن مرده بودند؛ حتی حیوانات و پرندگان هم از بین رفته بودند. عیسی گفت: این ها باید در اثر غضب مرده باشند، اگر متفرق مرده بودند همدیگر را دفن می کردند.

حواریون گفتند: یا روح الله! از خداوند بخواه آن ها را زنده کند تا آن ها از اعمال خود سخن بگویند و ما از آن اعمال دوری کنیم. عیسی علیه السلام در این جا دست به دعا برداشت. ندا آمد: آن مردگان را بخوان. عیسی علیه السلام در یک بلندی قرار گرفت و گفت: وای بر شما! اعمال شما چه بود؟ یک نفر برخاست و گفت: ما طاغوت

را عبادت می کردیم و دنیا را دوست داشتیم و دنبال آرزوهای دور و دراز می رفتیم و اوقات خود را در لهو و بازی می گذرانیدیم.

گفت: شما چگونه دنیا را دوست می داشتید؟ گفتند: همانطور که کودک مادر را دوست دارد. هر گاه دنیا به ما روی می آورد، خوشحال می شدیم و هر گاه پشت می کرد، ناراحت می گردیدیم. گفت: شما طاغوت را چگونه عبادت می کردید؟ گفتند: از معصیت کاران اطاعت می کردیم. گفت: عاقبت شما چگونه شد؟ گفتند: شب به خواب رفتیم و صبح خود را در عذاب گرفتار دیدیم و وارد سجین شدیم.

عیسی علیه السلام گفت: سجین چیست؟

گفتند: کوه هایی از آتش است که تا روز قیامت بر ما حرارت و گرمی دارند و گداخته می باشند. گفت: شما چه گفتید و آن ها چه گفتند؟ پاسخ دادند: ما به آن ها گفتیم ما را به دنیا برگردانید تا کارهای خوب انجام دهیم. به ما گفتند شما دروغ می گوئید.

عیسی علیه السلام گفت: پس چرا از میان این همه مردم فقط شما با من سخن می گوئید. گفت: یا روح الله! آن ها لگام های آتشین در دهان دارند و فرشتگان غلاظ و شداد مهار آن ها را در دست دارند. من در میان این قوم بودم، ولی در اعمال آن ها شرکت نداشتم، اما هنگامی که عذاب نازل شد مرا هم با آن ها گرفتار کرد. من اکنون به مویی از لب جهنم آویخته ام. نمی دانم چه خواهد شد؛ در جهنم خواهم افتاد و یا نجات پیدا خواهم کرد. در این جا عیسی علیه السلام متوجه یاران خود شد و گفت: خوردن نان خشک و خوابیدن در جاهای کثیف

بهبتر از این گونه زندگی است. (۱)

## اقناع اندیشه

بعضی از ما تصور می‌کنیم زندگی همین چند روز دنیاست، در حالی که زندگی ما در این دنیا فقط بخشی از مجموعه زندگی ما در عالم هستی است.

آیات (۲) و روایات مختلفی وجود دارد که برای انسان، تنعم یا عذاب بعد از مرگ را ذکر می‌کند؛ در حالی که هنوز قیامت برپا نشده است. این خود دلیل آن است که انسان‌ها بعد از مرگ وارد یک مرحله از حیات می‌شوند که در حکم مقدمه برای قیامت است و آن عالم برزخ است.

برزخ یعنی فاصله بین دو چیز و به عالم بین دنیا و آخرت برزخ می‌گویند. (۳)

در سوره مبارکه مؤمنون آیات ۹۹ و ۱۰۰ می‌خوانیم:

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا آن هَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ.»

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

ارواح در برزخ جسدهایی دارند و با همان قیافه در باغ‌های بهشت می‌روند و یکدیگر را خوب می‌شناسند و از یکدیگر سؤال

ص: ۳۷

۱- کافی (ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۷۷۳.

۲- ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۵۲۴ تا ۵۲۶.

۳- البرزخ: ما بین کل شیئین. لسان العرب، ج ۳، ص ۷.

می کنند. هنگامی که روح جدیدی بر آنان وارد می شود، دیگران گویند: رهایش کنید تا قدری استراحت کند، چرا که او از مرحله سختی عبور کرده است. بعد از آن که استراحت کرد، از او می پرسند: فلان کس چه شد؟ اگر این روح جواب داد که هنوز زنده است و در دنیا می باشد، اینها منتظر و امیدوار می مانند که شاید نزد آن ها بیاید و اگر گفت که مرده است، می فهمند وضعیتش بد است، چون اگر آدم خوبی بود پس از مرگ نزد آن ها می آمد. پس می گویند: از بین رفت. حیف که اینطور شد!<sup>(۱)</sup>

## پرورش احساس

حتی اموات از کارهای خیری که برای آن ها انجام می دهیم باخبر شده و متنعم می شوند:

ثقه الاسلام نوری از سید حسن حسینی اصفهانی نقل می کند: چون پدرم وفات کرد، من در نجف اشرف مشغول تحصیل بودم و کارهای آن مرحوم به دست بعضی از برادران من بود. چون هفت ماه از وفات آن بزرگوار گذشت، والده ام به رحمت الهی پیوست. جنازه آن مرحومه را به نجف آوردند و دفن کردند.

در یکی از روزها در خواب دیدم در اتاق خود نشسته ام که ناگاه مرحوم والدهم وارد شد. من برخاستم و سلام کردم. او در صدر مجلس نشست و مرا نوازش کرد. به او گفتم: شما در اصفهان وفات کردید، چگونه شد که شما را در اینجا می بینم؟ فرمود: بلی، لکن بعد از وفات، ما را در نجف منزل دادند.

ص: ۳۸

---

۱- . کافی (ط - دار الحدیث)، ج ۵، ص ۶۰۲.

گفتم: والده نزد شما است؟ فرمود: نه. وحشت کردم از آنکه گفت نه. فرمود: او در نجف است، لکن در مکان دیگر است؛ آنوقت فهمیدم که پدرم عالم است و محل عالم بالاتر است از محل جاهل. از حال آن مرحوم سؤال کردم. فرمود: من در ضیق و تنگی بودم و الآن الحمد لله عالم خوب است، و از آن شدت و تنگی گشایش و فرجی برای من حاصل شد.

من از روی تعجب گفتم: آیا شما هم در ضیق و شدت واقع شدید؟ فرمود: بلی. حاج رضا پسر آقا بابا مشهور به نعلبند، از من طلبی داشت، از جهت طلب او حال من بد بود که اصلاح شد. تعجب من زیاد شد و از خواب بیدار شدم. با حال ترس و تعجب، صورت خواب را برای برادرم که وصی آن مرحوم بود، نوشتم و از او درخواست نمودم که برای من بنویسد که آیا حاج رضای مذکور از مرحوم والد طلب دارد یا نه؟ برادرم برای من نوشت که من در دفتری که اسامی طلبکاران بود مراجعه کردم، اسم این مرد در آن جا نبود.

من دوباره نوشتم که از خود آن شخص سؤال کند. برادرم بعد از آن برای من نوشت که من از او سؤال کردم، گفت: بلی. من هیچده تومان از آن مرحوم طلبکارم و غیر از خدا هیچ کس بر آن آگاه نیست، و بعد از فوت ایشان از شما پرسیدم که اسم من در دفتر طلبکاران آن مرحوم هست؟ شما گفتید: نه. پس من با خود گفتم که اگر ادعای طلب خود کنم، قدرت بر اثبات ندارم؛ چون حجت و بینه نداشتم و اعتماد به آن مرحوم بود که در دفتر خود ثبت

می کند. معلوم شد که مسامحه نموده و من از وصول طلب خود مأیوس شدم و اظهار نکردم. من صورت خواب شما را برای او نقل کردم و خواستم که وجه او را بدهم، گفت: من ذمه او را بری نمودم و طلب خود را بخشیدم. (۱)

روزی حضرت عیسی علیه السلام از کنار قبری می گذشت. دید صاحبش را عذاب می کنند. سال بعد بر آن گذشت و عذاب از صاحب آن قبر برداشته شده بود. خطاب به خدای متعال عرض کرد: سال قبل از این قبر گذشتم و صاحبش معذب بود و امسال عذابی ندارد. خدا به او وحی کرد: ای روح الله! فرزند صالحی داشت که بالغ شده، راهی را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد. او را به خاطر کار پسرش آمرزیدم. (۲)

## رفتار سازی

حق الناس یکی از مواردی است که خدای متعال نسبت به ادای آن تأکید زیادی کرده است. یکی از موارد حق الناس امانتی است که از طرف دیگران نزد انسان است؛ چه این امانت جنس و کالا و پول باشد و چه رازی از دیگران.

خدای متعال به امانتداری امر می کند:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا.» (نساء / ۵۸)

مرحوم ثقه الاسلام نوری در دارالسلام از عالم فاضل، حاج ملا ابوالحسن مازندرانی نقل کرده: من دوستی داشتم از اهل فضل

ص: ۴۰

---

۱- . زندگی پس از مرگ، ترجمه منازل الآخرة، شیخ عباس قمی، ص ۱۱۲.

۲- . الأمالی (للصدوق)، ص ۵۱۲.

و تقوا، مسمی به ملا جعفر فرزند عالم صالح ملا محمد حسین طبرستانی. وقتی که طاعون آمد و تمام بلاد را گرفت، جماعت بسیاری پیش از او وفات کردند، در حالی که او را وصی خود قرار داده بودند و او بر حسب وصیت آن ها اموال ایشان را جمع نموده و هنوز به محل و مصرف نرسانده، او نیز به طاعون هلاک شد و آن مال ها ضایع شد و به مصارفی که باید برسد، نرسید.

حق تعالی بر من منت نهاد و زیارت عتبات عالیات روزیم کرد. شبی در کربلا در خواب دیدم که مردی در گردش زنجیری است که آتش از آن شعله می کشد و دو طرف آن به دست دو نفر است و آن شخصی که زنجیر به گردش است، زبانش بلند است و تا سینه اش آویخته شده است. چون مرا دید به سوی من آمد و چون نزدیک شد، دیدم رفیقم ملا جعفر است. از حال او تعجب کردم. خواست با من سخن گوید که آن دو شخص زنجیرش را کشیدند و او را از عقب برگرداندند و نگذاشتند که سخن گوید. دوباره ملا جعفر نزدیک من آمد و خواست حرف بزند، باز او را کشیدند و نگذاشتند، تا سه دفعه.

من از مشاهده آن حال و آن صورت هولناک سخت ترسیدم و صیحه بزرگی کشیدم و بیدار شدم. از فریاد من یک نفر از علماء که در نزدیک من خوابیده بود، بیدار شد. پس من قصه خواب را برای او نقل کردم، و اتفاقاً این وقتی که من از خواب برخاستم، وقت باز کردن درهای صحن مطهر و حرم شریف بود. من به رفیقم گفتم: خوب است به حرم مشرف شویم و زیارت کنیم و برای ملا جعفر



استغفار کنیم، شاید حق تعالی بر او ترحم فرماید. (۱)

این جریان مطابق روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که فرمودند:

«مَنْ خَانَ أَمَانَةَ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرْدِّهَا إِلَىٰ أَهْلِهَا ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَىٰ غَيْرِ مِلَّتِي وَيَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَان.» (۲)

## روضه

من آقایی را می شناسم که مظلوم واقع شد. بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله، امانت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را که در دست او بود، مورد ظلم و ستم قرار دادند. هنگام وداع با زهراش رو کرد به قبر مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرمود:

«السلام عليك يا رسول الله عني وعين ابنتك النازله في جوارك والشريعه اللحاق بك، قل يا رسول الله عين صفتك صبري.» (۳)

درود بر تو ای رسول خدا! از طرف من و دختری که در جوار تو آرمیده و زودتر از همه به تو رسیده. ای رسول خدا! صبر و شکیبایی من از مفارقت و جدایی برگزیده تو کم گردیده. سپس فرمودند: یا رسول الله! به زودی دختری به تو خواهد گفت که امت تو بعد از تو با او چه رفتاری کردند.

همه گریه ام به مظلومی زهرا اما

این علی بود که مظلوم تر از زهرا بود

ص: ۴۲

---

۱- زندگی پس از مرگ، ترجمه منازل الآخرة، شیخ عباس قمی، ص ۱۱۴.

۲- الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۴۳۰.

۳- نهج البلاغه (للصالحی صالح)، ص ۳۲۰ و

### انگیزه سازی

امام صادق علیه السلام نقل می کنند که روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله نشست به و جبرئیل در کنار حضرت بود. ناگهان آسمان توجه جبرئیل را جلب کرد و خیلی متعجب به آسمان نگاه کرد و رنگش پرید؛ تا حدی رنگ او تغییر کرد که مانند زعفران شد و به رسول خدا صلی الله علیه وآله پناه برد. این حرکت او توجه پیامبر را هم جلب کرد. وقتی به آسمان نگاه کرد، ناگهان دید شیئی سراسر جهان را پر کرده، آن شیء آمد تا به زمین رسید. سپس به پیامبر خدا رو کرد و گفت: یا محمد من پیک خدایم به سوی تو، و آمده ام تا تو را از جانب خدا مخیر کنم که یا پادشاه باشی و پیغمبری کنی و یا بنده باشی و بندگی کنی و پیغمبر باشی، هر کدام را دوست داری انتخاب کن!

رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به جبرئیل کرد، دید رنگ جبرئیل به حالت اول برگشته، جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: دومی را انتخاب کن و بنده باش و در کنار بندگی پیامبری کن. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دومی را انتخاب می کنم و دوست دارم بنده باشم و در کنار آن وظیفه رسالت خود را انجام می دهم.

آن فرشته وقتی نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنید، با همان حالت شگفت آوری که به زمین آمده بود، به آسمان برگشت.

رسول خدا رو به جبرئیل کرد و فرمود: خیلی هراسان شده بودی، و چیزی برای من هراس آورتر از رنگ پریدگی تو نیست [وقتی رنگ تو تغییر می کند من خیلی هراسان و نگران می شوم]. جبرئیل گفت: ای پیغمبر خدا من را از این هراس و ترس سرزنش مکن، می دانی این که بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه. جبرئیل گفت: این اسرافیل دربان خدا است، هرگاه خدا امری را وحی کند، ایشان بر لوح می نگارد و به من منتقل می کند. او نزدیک ترین مخلوق به خداست و بین او و من که نزدیک ترین خلق به او هستم هزار سال راه است.

از زمانی که خدا آسمان ها و زمین را آفریده از جای خود تکان نخورده، وقتی که دیدم دارد به زمین می آید، تصور کردم زمان قیامت فرا رسیده و قیامت در حال برپاشدن است و او فرمان قیامت را آورده و می خواهد از رسیدن قیامت خبر دهد. از این رو [که احساس کردم قیامت رسیده] رنگم پرید، و وقتی فهمیدم آمده که امر خدا را به تو برساند و نظر تو را بپرسد [خیالم راحت شد و

نگرانیم برطرف شد] و رنگم به حالت عادی برگشت. (۱)

## اقناع اندیشه

وقتی جبرئیل با تصور قیامت رنگ می بازد، جا دارد که ما هم قدری نسبت به قیامت نگران شویم و خود را برای این روز سخت آماده کنیم.

خداوند متعال این روز را این چنین وصف می کند که:

«الْقَارِعَةُ\* مَا الْقَارِعَةُ\* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ\* يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ\* وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ.» (۲)

آن حادثه کوبنده، و چه حادثه کوبنده ای! و تو چه می دانی که حادثه کوبنده چیست؟! (آن حادثه همان روز قیامت است!) روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده خواهند بود، و کوه ها مانند پشم رنگین حلّاجی شده می گردد!

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان کلمات این آیات را این چنین تفسیر می کند:

کلمه "قارعه" از ماده "قرع" است که به معنای زدن بسیار سخت است. بعضی گفته اند: بدین مناسبت قیامت را قارعه نامیده که دل ها را با فرع شدیدش و دشمنان خدا را با عذابش می کوبد.

و سؤال از حقیقت قارعه در جمله "مِا الْقَارِعَةُ؛ قارعه چیست" با اینکه معلوم است که چیست، به منظور بزرگ نشان دادن امر قیامت است، ... و به منظور تأکید این بزرگداشت مجدداً جمله را به

ص: ۴۵

---

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۶، ص ۲۹۲.

۲- قارعه / آیات ۱ تا ۵.

تعبیری دیگر تکرار کرد و فرمود: "وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ".

"يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ. کلمه "فراش" به معنای ملخی است که زمین را فرش کند، یعنی روی گرده هم سوار شده باشند، پس فراش به معنای غوغای ملخ است. بعضی از مفسرین در اینکه چرا مردم روز قیامت را به فراش تشبیه کرده، گفته اند:

برای این است که مردم در روز قیامت، وقتی از قبورشان سر بر می آورند، آن چنان ترس و فزع از همه جهات احاطه شان می کند که بی اختیار و بی هدف به راه می افتند، و در جستجوی منزل ها که یا سعادت است و یا شقاوت سرگردانند. (۱)

به خاطر همین سختی هاست که خدای متعال در مورد روز قیامت می فرماید:

«يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَا كِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ.» (۲)

روزی که آن را می بینید، (آن چنان وحشت سراپای همه را فرا می گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می کند و هر بارداری جنین خود را بر زمین می نهد و مردم را مست می بینی، در حالی که مست نیستند ولی عذاب خدا شدید است!

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می فرماید: معنای اینکه

ص: ۴۶

۱- ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۹۵.

۲- حج / ۲.

مست می شوند این است که از شدت سختی و هول آن روز، مردم وحشت زده شده و عقلشان را از دست می دهند. (۱)

در سختی روز قیامت همین بس که قرآن می فرماید: روزی است که کودکان در آن روز پیر می شوند:

«فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا.» (۲)

شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب الهی) بر کنار می دارید؟! در آن روز که کودکان را پیر می کند.

### پرورش احساس

عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ الْخَلْقَ - أَمْطَرَ السَّمَاءَ عَلَى الْمَارِضِ أَرْبَعِينَ صَبْحًا - فَاجْتَمَعَتِ الْأَوْصَالُ وَنَبَتِ اللَّحُومُ - وَقَالَ أَتَى جَبْرَيْلُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) فَأَخَذَ بِيَدِهِ وَأَخْرَجَهُ إِلَى الْبَيْعِ فَأَنْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِ فَصَوَّتَ بِصَاحِبِهِ فَقَالَ: قُمْ يَا ذَنْ لِي فَخَرَجَ مِنْهُ رَجُلٌ أَيْضُ الرَّأْسِ وَاللَّحْيَةِ - يَمْسِيحُ التُّرَابَ عَنْ وَجْهِهِ وَهُوَ يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ جَبْرَيْلُ عُدْ يَا ذَنْ لِي ثُمَّ أَنْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِ آخَرَ - فَقَالَ: قُمْ يَا ذَنْ لِي فَخَرَجَ مِنْهُ رَجُلٌ مُسَوِّدُ الْوَجْهِ - وَهُوَ يَقُولُ: يَا حَسِيرَتَاهُ يَا بُرَّاهُ - ثُمَّ قَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ: عُدْ يَا ذَنْ لِي مَا كُنْتُ فِيهِ يَا ذَنْ لِي، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! هَكَذَا يُحْشَرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَالْمُؤْمِنُونَ يَقُولُونَ هَذَا الْقَوْلَ - وَهُؤُلَاءِ يَقُولُونَ مَا تَرَى.» (۳)

ص: ۴۷

۱- ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۴۷۹.

۲- مزمل / ۱۷.

۳- تفسیر القمی؛ ج ۲؛ ص ۲۵۳

امام صادق به نقل از پدر بزرگوارش علیه‌السلام فرمود:

جبرئیل علیه السلام نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و دست حضرت را گرفت و به سمت قبرستان بقیع خارج شدند و چون به قبری رسیدند صاحب قبر را صدا زد و فرمود: به اذن خدا برخیز.

امام باقر علیه السلام فرمود: مردی سفید رو از قبر بیرون شد که خاک از صورتش پاک می کرد؛ و می گفت: شکر و سپاس مخصوص خداوند می باشد، خداوندی که بزرگ است. بعد از آن جبرئیل گفت: به اذن خدا (به جایگاه خود) باز گرد. سپس رفتند تا به قبری دیگر رسیدند و صاحب آن را صدا کرد و فرمود: به اذن خدا برخیز، مرد سیاه چهره ای بیرون آمد که می گفت: افسوس (که بی چاره شده ام)، وای بر من که هلاک گشتم.

سپس جبرئیل به او فرمود: به اذن خدا باز گرد به همان جایی که بودی؛ و بعد از آن اظهار داشت: ای محمد! روز قیامت، مردم این چنین محشور خواهند شد، مؤمنین چنان گویند و این افراد (مخالف) چنین گویند که دیدی. [\(۱\)](#)

## رفتار سازی

خداوند متعال یکی از راه های در امان ماندن از سختی های قیامت را تحمل سختی ها و مشقات دنیا در مسیر بندگی معرفی می کند. [\(۲\)](#)

ص: ۴۸

---

۱- زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟ / ترجمه الزهد؛ کوفی اهوازی، حسین بن سعید، ص ۲۱۹

۲- [۳]. آل عمران/۱۴۲، زمر/۱۰، رعد/۲۴، فرقان/۷۵.

این مطلب در سوره رعد به زیبایی بیان شده است:

«وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ \* جَنَّاتٌ عِدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِّن كُلِّ بَابٍ \* سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ.» (۱)

و آن ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می کنند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آن ها روزی داده ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می کنند و با حسنات، سیئات را از میان می برند، پایان نیک سرای دیگر، از آن آن هاست. (همان) باغ های جاویدان بهشتی که وارد آن می شوند و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آن ها و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند (و به آنان می گویند): سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا (ی جاویدان)!

عبدالله بن ابی یعفور می گوید:

به امام صادق علیه السلام از دردمندی خود شکایت بردم. امام فرمودند: اگر مؤمن بداند که در برابر مصائب چه پاداش گرانبهائی دارد، آرزو می کند کاش او را باقیچی پاره پاره کنند. (۲)

یکی از راه های صبر بر مشکلات این است که همیشه به

ص: ۴۹

۱- رعد/ آیات ۲۲ تا ۲۴.

۲- [۵] عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَكَانَ مِسْقَامًا فَقَالَ لِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قُرِضَ بِالْمَقَارِيضِ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۵۵.



انسان های زیر دست خود نگاه کنیم و با آنها حشر و نشر داشته باشیم و در بین اقوام، با کسانی که سطح مالی آن ها از ما پائین تر است و دارای مشکلاتی بیش از مشکلات ما هستند، رفت و آمد بیشتری داشته باشیم. جناب اباذر نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش فرمود که به زیر دست خود نگاه کنم، نه به بالا- دست خود و به من سفارش فرمود با اشخاص بی بضاعت دوستی کنم و به آنان نزدیک شوم. (۱)

## روضه

یکی دیگر از راه های صبر بر مشکلات، تفکر بر مصائب ابی عبدالله الحسین علیه السلام و شنیدن این مصائب و اشک ریختن بر مصائب کربلاست...

روز عاشورا، که در این یک روز، اصحاب امام را از امام گرفتند.

برادرزاده های امام را به شهادت رساندند.

فرزندان امام را به شهادت رساندند.

شش ماهه امام را در آغوشش به وضع فجیعی به شهادت رساندند.

قمر بنی هاشم، علمدار امام، را به شهادت رساندند و امام فرمودند: الآن انکسر ظهري. (۲)

ص: ۵۰

---

۱- [۶]. عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ بِسَبْعِ أَوْصَانِي أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي وَ أَوْصَانِي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ وَ الدُّنُوِّ مِنْهُمْ . الخصال، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲- . بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۲.

لحظات آخر عمر امام، خواستند به خیمه ها حمله کنند، امام حسین علیه السلام تمام توان خود را جمع کرد و به سختی فرمود:  
اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید. (۱)

ص: ۵۱

---

۱- [۶]. وَيَلُكُم يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سَفِيَّانٍ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَكُنْتُمْ لِمَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أحرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ هَيْدِهِ وَارْجِعُوا  
إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَباً كَمَا تَزْعُمُونَ. اللهوف على قتلى الطفوف، ترجمه فهری، النص، ص ۱۲۰.



انگیزه سازی

ای شافع عاصیان به روز عرصات

وی دادرس محب خود وقت ممات

جان همه شیعیان فدای تو حسن

بر عز و جلال تو درود و صلوات

عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و حسن و حسین علیهما السلام کودک بودند. شخصی گناهی کرد و از شرم آن گناه، مدتی مخفی شد و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی آمد، تا اینکه آن شخص، حسن و حسین علیهما السلام را دید. آن دو را بر دوش خود سوار کرد و با همان حال به حضور رسول خدا علیهما السلام آمد و عرض کرد: من گنهکارم، در پناه خدا، و این دو آقازاده به حضور شما آمده ام تا مرا ببخشید! رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی

که آن منظره را دید، آنچنان خندید که دستش را بر دهانش گذاشت، سپس به آن مرد گنهکار فرمود: برو جانم! تو آزاد هستی. آنگاه به حسن و حسین فرمود: آن شخص در مورد عفو گناه خود، شما را شفیع قرار داد. در این هنگام آیه ۶۴ سوره نساء نازل شد:

«... ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاو ک فاستغفروا لله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما.» (۱)

## اقناع اندیشه

شفع و شفاعت هر دو مصدرند؛ بمعنی منضم کردن چیزی به چیزی. راغب گوید: «الشَّفَع: ضمّ شیء الی مثله.»

ظاهراً شفاعت را از آن جهت شفاعت می گویند که شفیع خواهش خویش را به ایمان و عمل ناقص طرف منضم می کند و هر دو مجموعاً پیش خدا اثر می کنند. با در نظر گرفتن اینکه انگیزاننده شفیع، خداست و او دستور داده چنین خواهشی بکند. مثلاً رسول خدا صلی الله علیه و آله با اجازه خدا، خواهش خویش را با عمل ناقص مؤمن توأم کرده و از خدا می خواهد که او را بیامرزد، به عبارت دیگر، همانطور که آن حضرت در دنیا شفاعت رهبری دارد و واسطه رساندن احکام خداست، در آخرت نیز واسطه جلب مغفرت خداست.

بر این اساس، شفیع به معنی واسطه، وسیله، و کمک است. (۲)

قرآن در ۳۰ مورد بحث شفاعت را بازگو می کند که حاکی از

ص: ۵۴

---

۱- . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۱۰ و مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۳، ص ۴۰۰.

۲- . قاموس قرآن، ج ۴، ص ۴۹.

اهمیت آن است و در مجموع آیات قرآن در زمینه شفاعت - به معنای واسطه شدن در رسیدن فیض الهی به مخلوقات - به سه دسته تقسیم می گردد.

دسته اول: آیاتی که به کلی شفاعت را نفی می کند: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ»؛<sup>(۱)</sup>

دسته دوم: آیاتی که شفاعت را فقط از آن خدا دانسته است: «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا»؛<sup>(۲)</sup>

دسته سوم: آیاتی که شفاعت را با شرایطی برای غیر خدا اثبات می کند: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا».<sup>(۳)</sup>

جمع بین این سه گروه از آیات به اینگونه است که دسته اول بیانگر این است که شفاعت مستقل برای غیر خدا وجود ندارد.

دسته دوم به قرینه آیات دسته اول و سوم، نفی شفاعت به صورت استقلالی است. مفاد اینگونه آیات، این است که اسباب و وسایط با قطع نظر از اراده و مشیت الهی، هیچ گونه تأثیری ندارند و در حقیقت تنها شفاعت کننده حقیقی و مستقل خداست.

دسته سوم اثبات کننده شفاعت در برخی موارد برای غیر خداست که البته این آیات شرایطی را برای شفاعت کننده، شفاعت شونده و محدوده و میزان شفاعت بیان می دارد.

شاید کسی سؤال کند آیا شفاعت موجب جرأت پیدا کردن بر

ص: ۵۵

---

۱- . بقره / ۲۵۴.

۲- [۴] زمر / ۴۴.

۳- . طه / ۱۰۹.

در پاسخ به این پرسش، دقت در دو موضوع مهم است: اول، اگر بنا باشد که شفاعت باعث جرأت بر گناه بشود به طریق اولی «توبه» نیز باعث جرأت بر گناه خواهد شد؛ در حالی که کسی این مطلب را در مورد توبه بیان نمی کند. دوم، همانگونه که در پرتو آیات نورانی قرآن کریم روشن شد، شفاعت، بی قید و شرط نیست که هر کسی را با هر شرایطی و با هر گناهی شامل شود. در آیات نورانی قرآن و روایات معصومین علیهم السلام شرایطی برای شفاعت بیان شده که دست یابی به این شرایط، خود زمینه بسیار خوبی برای ترک گناهان و انجام واجبات الهی است؛ علاوه بر اینکه معلوم نیست که انسان یقیناً مشمول شفاعت می شود تا جرأت بر گناه پیدا کند. اگر کسی شرایط شفاعت را دارا نباشد، هر چند همسر پیامبر خدا باشد، مورد شفاعت قرار نمی گیرد؛ همان طور که همسر نوح و لوط علیهما السلام به علت فسق، مشمول شفاعت نشدند. «فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (۱)

یکی از اثرات ارزشمند شفاعت، امید است. گاهی بعضی از افراد که توبه می کنند هنوز دلواپس هستند و از نظر وجدان ناراحتند. اگر انسان امید به شفاعت داشته باشد، در گناه توقف می کند. فایده دیگر شفاعت این است که ما ارتباط مان را با شفیعان (مثل اهل بیت، قرآن، شهیدان و علما) گسترده تر می کنیم.

در جنگ بدر وقتی مشرکان را اسیر کردند، چشم پیامبر به برخی سران مشرک افتاد که در غل و زنجیر اسارت افتاده بودند، لبخندی زد. یکی از آن ها گفت: باید هم بخندی! ما را در اسارت گرفتی و می خندی، فکر کرد خنده پیامبر از نوع خنده های مغرورانه سلاطین است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خنده ام برای این است که دیدم شما را به غل و زنجیر کرده ام و به بهشت می برم، باز شما نمی آید. (۱)

دوستان را کجا کنی محروم

تو که با دشمنان نظر داری

بله. پیامبری که در دنیا برای دشمنان دل می سوزاند، چطور ممکن است در قیامت نسبت به مؤمنین بی تفاوت باشد. پیامبر رحمه للعالمین نمی تواند در بهشت و لذت های بی پایان باشد و جمعی از امت او در عذاب گرفتار باشند، زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: «رضا جدی ان لا یبقی فی النار موحد». (۲)

بشربن شریح بصری می گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: امیدوارترین آیه قرآن کدام است؟ حضرت فرمودند: نظر شما چیست؟ عرض کردم: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ». (۳)

حضرت فرمودند: لکنا اهل البيت لا نقول ذالك؛ پرسیدم

ص: ۵۷

۱- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۴۷.

۲- بیان السعاده، ج ۲، ص ۳۱۶.

۳- زممر/۵۳.



شما چه می فرمائید؟ فرمودند:

«ولسوف يعطيك ربك فترضى (۱)» بعد ادامه دادند: «الشفاعة والله الشفاعة والله الشفاعة.» آیه در مورد شفاعت است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هنگام رحلت در بستر خوابیده بودند که جبرئیل نازل شد. ایشان فرمودند: در چنین زمانی مرا تنها می گذاری؟ عرض کرد: یارسول الله! بهشت برای شما آراسته شده و ملکوتیان بهشت به استقبال شما منتظرند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بشارت خوبیست ولی برای امتم چه آوردی؟ عرض کرد: خداوند به شما بیش از همه انبیاء عطا کرده است. حوض کوثر و مقام محمود و شفاعت در قیامت مخصوص شماست. «ولسوف يعطيك ربك فترضى.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: الان چشم من روشن شد. بعد به ملك الموت فرمودند: حال بیا و جان مرا قبض کن. (۲)

پیروان انبیاء و اولیا و خوبان و محبان آنان، هرچند گناہانی داشته باشند، اما کشش پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او، آنان را به سمت خود در بهشت و درجات عالیہ می کشاند، و هر قدر در دنیا رابطه و سنخیت بیشتر باشد، آن کشش هم بیشتر خواهد بود. بی جهت نیست که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله فرمودند:

«حبی و حب اهل بیتی نافع فی سبعة مواطن احوالهن عظیمه عند الوفاہ و فی القبر و عند النشور و عند الکتاب

ص: ۵۸

۱- .ضحی/۵.

۲- [۱۰]. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۴۷.

و عند الحساب و عند الميزان و عند الصراط.»(۱)

وای بحال کسانی که با اینهمه وضوح باز شفاعت را انکار می کنند و خودشان را از این موهبت الهی محروم می کنند. قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا: الْمِعْرَاجَ وَالْمُسَاءَ لَهُ فِي الْقَبْرِ وَالشَّفَاعَةَ.»(۲)

این گروه قیامت سخت حسرت خواهند خورد، زیرا امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ما احد من الاولين و الآخرين الا و هو محتاج الى شفاعته محمد صلى الله عليه وآله يوم القيامة.»(۳)

### رفتار سازی

البته باید توجه داشت برای دستیابی به شفاعت شرایطی لازم است.

بدون تردید هر چه به شفاعت کنندگان شبیه تر باشیم و با آن ها سنخیت بیشتری داشته باشیم، درجات بیشتری از شفاعت نصیب ما می گردد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«استجيبوا انبياء الله و سلموا بامرهم و اعملوا بطاعتهم تدخلوا في شفاعتهم.»(۴)

ص: ۵۹

---

۱- الخصال، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲- [۱۲] أمالی صدوق، طبع سنگی، مجلس ۴۷، ص ۱۷۷.

۳- البرهان، ج ۴، ص ۵۲۰ و بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۸.

۴- غررالحکم، ص ۱۵۲.

یکی از شافعان، امام حسنعلیه السلام می باشد که امروز به این بزرگوار تعلق دارد. از ویژگی های پررنگ ایشان، اهتمام به رفع حوائج مؤمنین است. سعی کنیم در کرم به کریم اهل بیت علیه السلام اقتدا کنیم که ان شاء الله در قیامت هم از شفاعت ایشان بهره مند باشیم.

از ابن عباس نقل شده: در مسجدالحرام با حضرت حسن بن علیعلیه السلام بودم. آن حضرت معتکف و مشغول طواف خانه خدا بود، مردی از شیعیانش با او روبرو شد و به او عرض کرد: یا ابن رسول الله! من قرضی به فلانی دارم، اگر می توانی آن را برای من ادا کن. حضرت فرمود: وَ رَبِّ هَذِهِ الْبَيْتِهِ مَا أَصْبَحَ عِنْدِي شَيْءٌ؛ به پروردگار این خانه سوگند چیزی در دسترس ندارم. آن مرد گفت: پس اگر می شود برایم از او مهلت بخواه، او مرا تهدید به زندان کرده است. ابن عباس می گوید: امام طوافش را قطع کرد و با او به راه افتاد. من به حضرتش گفتم: یا ابن رسول الله! فراموش کردی که در حال اعتکاف هستی؟ فرمود: «لَمَا وَ لَكِنْ سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ مَنْ قَضَى أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ آلَافٍ سَنَةً صَائِمًا نَهَارًا قَائِمًا لَيْلَةً.»

فراموش نکردم، ولی شنیدم پدرم می فرمود: از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیدم: هر کس نیاز برادر مؤمنش را برآورده کند، مثل این است که نه هزار سال خدا را بندگی کرده است؛ روزها را روزه گرفته و شب ها را بیدار مانده است. (۱)

در واقع خدا دوست دارد بندگانش در لباس بندگی گاه گاهی

ص: ۶۰

کار خدائی هم انجام بدهند و رفع حوائج مردم از این سری کارها محسوب می شود.

خیلی ها دوست دارند به دیگران کمک کنند، اما به دلایل متعدد این کار را انجام نمی دهند. یکی از اموری که باعث می شود انسان به رفع حوائج مردم اهتمام بورزد، این است که خود را سائل در خانه خدا بداند. همانگونه که در مورد صاحب امروز آمده: «از ایشان پرسیدند: چرا هرگز سائلی را ناامید نمی کنی؟ فرمود: «من هم به درگاه خداوند سائلی هستم و می خواهم که خداوند محرومم نسازد.»<sup>(۱)</sup> البته باید آداب رفع نیاز مؤمنین را هم رعایت کنیم. امیربیان علیه السلام در جمله ای زیبا می فرماید:

«لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ بِاسْتِضْعَاغِهَا لِتَعْظُمَ وَ بِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظَهَرَ وَ بِتَعْجِيلِهَا لِتَهْتُنَّ.»<sup>(۲)</sup>

برطرف کردن نیازهای مردم استوار نیست مگر به سه چیز: ۱- کوچک شمردن خدمت تا خدا آن را بزرگ نماید؛ ۲- پنهان داشتن آن تا خدا آن را آشکار کند؛ ۳- شتاب در برآوردن نیاز حاجتمند تا مسرت بخش باشد.

## مولودی

امشب که فرشتگان سخن می گویند

گویا سخن از زبان من می گویند

ذکر لبشان شنیدنی تر شده است

در ارض و سما حسن حسن می گویند

ص: ۶۱

---

۱- . زندگی امام حسن علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲- . نهج البلاغه حکمت ۱۰۱



انگیزه سازی

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ السَّاعَةُ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكَ الْمَوْتِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَأَمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى النَّارِ.» (۱)

اگر بخواهیم از میان این سه برهه، سخت ترین را انتخاب کنیم، مسلماً لحظه حساب و کتاب و میزان از همه سخت تر است. همان ساعتی که هیچکس به هیچکس رحم نمی کند. پیامبر صلی الله علیه وآله آن لحظه را اینطور توصیف می کند.

«أَنَّ الْخَلَائِقَ إِذَا عَايَنُوا الْقِيَامَةَ وَ دِقَّةَ الْحِسَابِ وَ أَلِيمَ الْعَذَابِ

ص: ۶۳

من چطور پدری برای تو بودم؟ آیا من تو را تربیت نکردم، از دست رنج و زحمت خودم تو را غذا ندادم و تو را نپوشاندم؟ احکام را به تو نیاموختم؟ قرآن را به تو آموختم و از فامیل خودم برای تو زن گرفتم و بودجه زندگی تو و همسرت را تا زنده بودم، تأمین کردم. بعد از مرگ هم مال فراوانی برایت به جا گذاشتم.

فرزند می گوید: پدرم راست و درست می فرمایی، خواسته شما چیست؟ پدر می گوید: پسرم میزان عمل و کردارم سبک است؛ گناه هم از ثوابم بیشتر است، فرشتگان گفته اند: اگر یک حسنه دیگر داشته باشی میزان خوبی ها از بدی ها سنگین تر می شود. خواهش من از شما این است که یک حسنه از کردار نیک خویش به من ببخشی تا میزان خوبی هایم به واسطه همان حسنه سنگین شود. فرزند به پدر می گوید: نه. به خدا حاضر نمی شوم! پدر جان! خود من هم می ترسم که کفه گناهانم سنگین و کفه کارهای نیک من سبک باشد. من قدرت این که چیزی به تو ببخشم ندارم. سپس پدر می رود؛ در حالی که پشیمان و گریانست بر آن خوبی ها که به فرزندش کرده.

و همین طور مادر ملاقات می کند فرزندش را درین روز و می گوید: پسرم آیا رحم من جایگاه تو نبود؟ می گوید: بلی ای مادر! آیا پستانم برای تو وسیله آشامیدنی نبود؟ می گوید: بلی مادرم! سپس مادر می گوید: پسرم گناهانم سنگین و فراوانست، از تو می خواهم که یکی از گناهانم را تو تحمل کنی و بپذیری تا سبکبار شوم.

می گوید: ای مادر! از من دور شو! همانا من سرگرم نفس و

حساب خودم باشم. سپس اشک ریزان از پسر جدا می شود. و مرد هم به همسر متوسل می شود و می گوید: فلانی من برای تو در دنیا چطور همسری بودم؟ زن می گوید: تو برایم شوهر خوبی بودی. سپس مرد به او می گوید: من فقط یک حسنه از تو می خواهم شاید بدان واسطه نجات پیدا کنم و ازین باریک بینی حساب و سبکی میزان و عبور از صراط وارهم. زن به همسرش می گوید: نه. به خدا من طاقت این را ندارم. من هم مانند تو بیم ناکم از سرنوشت امروزم. پس شوهر با دلی غمگین و افسرده و سرگردان از کنار زن می رود. (۱)

## اقناع اندیشه

کل مباحث قیامت در سه مرحله تحقق پیدا می کند. مرحله اول مرحله نفخ است، مرحله دوم، ورود به عالم محشر و گذراندن موافق پنجاه گانه قیامت و مرحله سوم بحث بهشت و جهنم است.

ما چشم اندازی از کل قضایایی که در قیامت رخ خواهد داد، بیان می کنیم. البته اینها در حد فهم ما در دنیا است و تا ما به آن دنیا نرویم، اینها برای ما قابل درک نیست. مرحوم نائینی می گفت: استادم مرحوم فشارکی را در خواب دیدم و پرسیدم: چه خبر؟ ایشان فرمود: بدانید که شما یک چیزی شنیده اید و تا دیدن آن فاصله زیاد است.

نفخ دوم دمیده می شود و همه از قبرها برانگیخته می شوند، این اولین اتفاق حشر است. همه در محشر و عرصه قیامت جمع

ص: ۶۵



می شوند. تمام انسان ها از بدو خلقت تا آخر جهان در صحنه عظیم قیامت جمع می شوند. در عرصه محشر، اولین اتفاقی که رخ می دهد اینست که نامه اعمال هر کس را به او می دهند. در نامه عمل، تمام اعمال ما در جلوی چشم ما است و گویی داریم آن عمل را انجام می دهیم.

«وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا. اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا.» (۱)

روشن است که منظور از کتاب چیزی جز کارنامه عمل انسان نیست، همان کارنامه ای که در این دنیا نیز وجود دارد و اعمال او در آن ثبت می شود، منتها در اینجا پوشیده و مکتوم است و در آنجا گشوده و باز. کافی است که خودت امروز حسابگر خویش باشی؛ یعنی، آن قدر مسائل روشن و آشکار است و شواهد و مدارک زنده که جای گفتگو نیست و هر کس این نامه عمل را بنگرد می تواند قضاوت و داوری کند، هر چند شخص "مجرم" باشد، چرا که این نامه عمل چنان که خواهد آمد، مجموعه ای از آثار خود عمل است، و یا نفس اعمال، و به این ترتیب چیزی نیست که بتوان آن را حاشا کرد.

آیا اگر من صدای خودم را از نوار ضبط صوت بشنوم، یا عکس دقیق خود را به هنگام انجام یک عمل نیک یا بد ببینم، می توانم حاشا کنم؟ کیفیت تشکیل نامه عمل در قیامت از این هم زنده تر و دقیق تر است.

ص: ۶۶

در اینجا این سؤال پیش می آید که این نامه چیست؟ و چگونه است؟

بدون شک از جنس کتاب و دفتر و نامه های معمولی نیست، و لذا بعضی از مفسران گفته اند: این نامه عمل چیزی جز "روح انسان" نمی باشد که آثار همه اعمال در آن ثبت است، زیرا هر عملی انجام می دهیم خواه ناخواه اثری در روح و جان ما می گذارد یا اینکه این نامه عمل، اعضای پیکر ما حتی پوست تن ما، و از آن بالاتر زمین و هوا و فضایی است که در آن اعمال خود را انجام می دهیم، چرا که اعمال ما، گذشته از اینکه در جسم و همه ذرات پیکر ما نقش می بندند، در هوا و زمین منعکس می شوند. (۱)

روایت داریم که گویی شما اعمال چند ساله ات را داری همان موقع انجام می دهی. حتی شما پلک زدن ها و حرکت مردمک چشم هایت را در طول عمرت می بینی.

### پرورش احساس

پیامبر صلی الله علیه وآله به سلمان و ابوذر یک درهم داد و گفت که این را خرج کنید. فردای آن روز پیامبر صلی الله علیه وآله قیامت عملی برایشان درست کرد. آتشی روشن کردند و دیگری روی آن گذاشتند و سنگی در کنار آتش گذاشتند و به آن ها گفتند: یکی یکی روی این سنگ بیاید و بگویید که یک درهم را چه کار کردید. سلمان روی سنگ رفت و گفت که من آن را در راه خدا انفاق کردم و از روی سنگ

ص: ۶۷

پایین پرید. ابوذر روی سنگ ایستاد و گفت: مقداری از آنرا نان و مقداری از آن را علوفه خریدم و بعد گفتم: سوختم و پایین پرید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آتش قیامت داغ تر از این آتش است. (۱)

اگر کسی از پل صراط رد شد، مرحله بعدی حوض کوثر است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: در صحرای قیامت به شدت عرق می ریزی و از خوش شانسی انسان این است که بتواند یک راه نفسی پیدا کند. در این تشنگی شدید تنها نوشیدنی که می تواند انسان را راحت کند، حوض کوثر است؛ خصوصا که برای رسیدن به بهشت باید از روی پل صراط عبور کرد که آن هم از روی جهنم می گذرد و هیچ بعید نیست که انسان از گرمای آن نیز آسیب دیده باشد. حوض کوثر نهری است الهی که از ساق عرش الهی سرچشمه می گیرد: «الْكُوْثَرُ مَخْرُجُهُ مِنْ سَاقِ الْعَرْشِ».

البته این اولین باری نیست که انسان از آب این حوض می چشد، بلکه لحظه مرگ نیز برای اینکه انسان مؤمن راحت جان بدهد و به دنیای آخرت علاقه مند گردد، از این نوشیدنی گورا به او نوشانیده اند: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنَ الْكُوْثَرِ».

البته حالا نیاز او به حوض کوثر خیلی جدی تر است؛ خصوصا که در آن جا با چهره دلربای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و نیز با وجود نورانی علی علیه السلام که ساقی کوثر است روبرو می شود. به قول شهید دستغیب، همین تصور که انسان می تواند به مقامی برسد که ساقی او

ص: ۶۸

علی علیه السلام است که پادشاه آسمان و زمین و دنیا و آخرت است، برای اینکه انسان دیگر گناه نکند کافی است. (۱)

فرزند علامه امینی قدس سره نقل می کند:

پس از درگذشت پدرم وقتی ایشان را دفن کردیم، یکی از بزرگان آمد و به من تسلیت گفت و فرمود: من در این فکر بودم بینم مولا- امیرالمؤمنین علیه السلام چه مرحمتی در مقابل زحمات و خدمات مرحوم امینی می نمایند. در عالم خواب دیدم حوضی است و آقا امیرالمؤمنین علیه السلام بر لب آن ایستاده اند. افراد می آیند و مولا از آن حوض، به آن ها آب می دهند. گفتند: این حوض کوثر است. در این حال آقای امینی به نزدیک حوض رسید، حضرت ظرف را گذاشتند، آستین ها را بالا زده و دستان مبارکشان را پر از آب کردند و به علامه آب خوراندند و خطاب به او فرمودند:

«بیض الله وجهک کما بیضت وجهی» (۲)

### رفتار سازی

راه هایی برای سنگین شدن نامه اعمال وجود دارد. مثلاً روایت داریم:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ» (۳)

همچنین حضرت علی علیه السلام فرمودند: «حَسَنُ خُلُقِكَ يُخَفِّفُ اللَّهُ

ص: ۶۹

---

۱- مطالب خصوصیات قیامت برگرفته از کتاب قیامت و حشر آقای عالی است.

۲- اسرار ملکوت، ج ۱، ص ۵۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۲، ح ۱۰۴.

آقا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: «أَكْثَرُ مَا تَلُجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ» (۲)

بیشتر کسانی که از امت من که اهل بهشت می شوند به خاطر دو ویژگی است: ۱. تقوای الهی ۲. حسن خلق

## روضه

بیاید امشب خطاب به امام زمانمان بگوییم:

«بابی انت وامی و نفسی لك الوقاء والحمى» قربانتان آقا! پدر و مادرم فدای تو باد! وقتی نامه اعمالم به دستت می رسد خوشحال می شوی یا ناراحت؟ انشاء الله به حق مادر پهلو شکسته ات پیش شما روسفید باشیم. یابن الحسن! از این حرف ها گذشته، امشب می خواهیم شما را به حق عمه جانت قسم بدهیم. نگاه لطفی به مجلس ما کنید، آقا! انشاء الله با این اشک ها نامه اعمال ما سنگین می شود. قطعاً هم همینطور است.

یابن الحسن!

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام خواست اسماعیل را برای قربانی به همراه خود برد، به مادر او هاجر فرمود: فرزندان را زینت کن که او را به میهمانی دوست برم.

پس از آنکه او را برد و با خطاب «وفدیناه بذبح عظیم» (۳)؛ او

ص: ۷۰

---

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۳.

۲- همان، ص ۳۷۵.

۳- صافات/ ۱۰۷.

را به ذبحی بزرگ باز خریدیم، او را از ذبح شدن نگهداری نمود، اسماعیل را به نزد مادرش برگرداند. هنگامی که هاجر چشمش به گلوی فرزند که از اثر کارد قرمز شده بود افتاد، بی اختیار غش کرد و بر زمین افتاد. (۱)

بین تفاوت از کجا تا به کجاست.

حضرت زینب علیها السلام لباس نو بر تن عون و محمد کرد. به چشمانشان سرمه کشید و آمد خدمت برادرش:

الا ای آسمان عشق بنگر اختر خود را

بلا گردان اصغر کن دو طفل خواهر خود را

بیا و بر مگردان این کفن پوشان زینب را

که نزد فاطمه بالا بگیرد او سر خود را

ص: ۷۱



از حضرت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است: چون روز قیامت فرا رسد، خداوند متعال برای دسته ای از امت من بال و پر می رویاند، پس آن ها از قبور خویش خارج شده و به سوی بهشت پرواز می نمایند. فرشتگان خطاب به آنان می گویند: آیا ترازوی سنجش اعمال را مشاهده نموده اید؟ و آن ها در جواب می گویند: ما هیچ چیز ندیده ایم.

فرشتگان می پرسند: آیا از پل صراط عبور نموده اید؟ و آن ها در جواب می گویند: ما صراطی ندیده ایم. پس فرشتگان می پرسند: آیا جهنم را دیده اید؟ و آن ها پاسخ می دهند: ما هیچ چیز مشاهده نکردیم.



فرشتگان با تعجب از آنان می پرسند: شما از امت کدام پیامبر می باشید؟ و آن ها پاسخ می دهند: از امت محمد صلی الله علیه و آله. فرشتگان می گویند: شما را به خدا سوگند به ما بگویید که در دنیا چه کارهایی انجام می دادید که این چنین پاداشی به شما داده شده است؟ آنان پاسخ می دهند: دو خصلت در ما وجود داشت که خدای متعال به واسطه آن ما را بدین درجه رسانید. فرشتگان می پرسند: آن دو خصلت چه بوده است؟ و آن ها پاسخ می دهند: ما چنان بودیم که در خلوت شرم و حیا داشتیم که معصیت خدا را انجام دهیم و همواره به قسمت خویش (روزی خود)، اگرچه اندک بود، قانع و راضی بودیم. پس فرشتگان می گویند: همانا این درجه حق شما و برآورنده شما می باشد. (۱)

پل صراط و میزان چقدر مهم است که فرشتگان این قدر اصرار داشتند بدانند چطور این افراد از آن ها استثنا شدند؟

## اقناع اندیشه

کلمه صراط به معنی راه است و حدود چهل بار در قرآن آمده است.

از مفضل بن عمر نقل شده:

از امام صادق علیه السلام درباره صراط سوال کردم، حضرت فرمودند:

«هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمَا صِرَاطَانِ صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَصِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ...» (۲)

ص: ۷۴

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶.

۲- معانی الأخبار، النص، ص ۳۲.

سپس فرمودند: و اما صراط در دنیا پس آن امام واجب الاطاعه است. کسی که در دنیا او را بشناسد و به هدایتش اقتدا کند، در آخرت از پل صراطی که بر روی جهنم نصب شده است، عبور می کند و اگر کسی امامش را در دنیا نشناخت، قدمش بر روی آن صراط آخرت می لغزد و در آتش جهنم سقوط می کند.

یعنی، امام فرموده: ما آن پل هستیم. اگر شما در دنیا خط رهبری صحیحی داشته باشید، آن جا هم خطتان درست است. اینجا در خط که هستی؟ ولایت چه کسی را پذیرفتی؟ ولایت طاغوت یا ولایت فقیه؟ رهبر عادل یا رهبر فاسق؟

در صراط ماندن و عبور به سلامت از پل صراط آن قدر مهم است که خداوند متعال از بین انواع دعاها، امر فرموده روزی ده مرتبه از او بخواهیم: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. آن ها که نعمت داده شده اند، چه کسانی هستند؟ خداوند متعال در سوره نساء آن ها را که نعمت داده شده اند اینگونه معرفی می کند:

«مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ». (نساء / ۶۹)

کسانی که خدا و رسول را پیروی کنند، آنان با کسانی هستند که خدا آن ها را نعمت داده است؛ از پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحان.

پس چه کسانی همراه انبیاء و صدیقین و شهدا و صالحین در صراط مستقیم هستند؟ کسانی که مطیع خدا و اهل بیت علیهم السلام

باشند؛ مانند شهدا که از همین اطاعت در مواقع حساس به درجات عالی رسیدند و هم ردیف انبیاء و صدیقین شدند.

## پرورش احساس

حضرت آیت الله حق شناس رضوان الله تعالی علیه می فرمودند: آقا! در تهران بگردید و ببینید کسی مانند این احمد آقا (شهید نیری) پیدا می شود یا نه؟

حاج آقا وقتی وارد خانه شدند، در همان ورودی منزل رو به برادر شهید کردند و با حالتی افسرده خاطر ای نقل کردند و فرمودند: به جز بنده و خادم مسجد، این شهید بزرگوار هم کلید مسجد را داشتند. بعد نفسی تازه کردند و فرمودند: من یک نیمه شب زودتر از ساعت نماز راهی مسجد شدم. به محض این که در را باز کردم، دیدم شخصی در مسجد مشغول نماز است. حضرت آقای حق شناس مکثی کردند و ادامه دادند: من دیدم یک جوان در حال سجده است، اما نه روی زمین؛ بلکه بین زمین و آسمان مشغول تسبیح حضرت حق است. آقای حق شناس در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده بود، ادامه دادند: من جلو رفتم و دیدم همین احمد آقا مشغول نماز است. بعد که نمازش تمام شد، پیش من آمد و گفت: تا زنده ام به کسی حرفی نزنید. (۱)

رفتار و عملکرد احمد آقا با بقیه فرق چندانی نداشت؛ یک

ص: ۷۶

---

۱- . عارفانه؛ زندگی نامه شهید علی نیری، چاپ سوم، گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ص ۱۵.

زندگی ساده و عادی مثل همه داشت؛ در داخل جمع مثل بقیه افراد بود؛ با آن ها می خندید، حرف می زد...

من در آن دوران نزدیک ترین دوست احمد بودم. ما رازدار هم بودیم. یک روز به او گفتم: شما چه کاری انجام داده ای که اینقدر در معنویات رشد کردی؟

لبخندی زد، می خواست بحث را عوض کند، اما من دوباره سؤال را تکرار کردم و گفتم: حتما یک علتی دارد!

بعد از اصرار زیاد، سرش را بالا آورد و گفت: طاقتش را داری؟

با تعجب گفتم: طاقت چه را؟

گفت: بشین تا بگویم.

نفس عمیقی کشید و گفت: یک روز با بچه های مسجد رفته بودیم دماوند. شما در آن سفر نبودید. همه مشغول بازی و سرگرمی بودند. یکی از بزرگترها به من گفت: احمد آقا برو این کتری را آب کن و بیاور تا چای درست کنیم.

بعد جایی را نشان داد و گفت: آن جا رودخانه است.

من راه افتادم. راه زیاد بود. کم کم صدای آب به گوشم رسید. نسیم خنکی از سمت آب به سمت من می آمد. از لابه لای درخت ها و بوته ها به رودخانه نزدیک شدم.

تا چشمم به رودخانه افتاد، یک دفعه سرم را پایین انداختم و همان جا نشستم! همان جا پشت درخت مخفی شدم. کسی آن طرف، من را نمی دید و بوته ها مانع خوبی برای من بود.

احمد ادامه داد: من به راحتی می توانستم گناه بزرگی انجام دهم.

در پشت آن درخت و کنار رودخانه چندین دختر مشغول شنا کردن بودند.

من همان جا خدا را صدا زدم: الان شیطان به شدت من را وسوسه می کند که نگاه کنم، اما خدایا من به خاطر تو از این گناه می گذرم.

سریع از آنجا دور شدم و کتری را از جای دیگر آب کردم. بچه ها مشغول بازی بودند، برای همین مشغول درست کردن آتش شدم. دود زیادی به چشمم رفت؛ اشک از چشمانم جاری بود.

یادم افتاد که حاج آقا (حق شناس) گفته بود: هر کس برای خدا گریه کند، خداوند او را خیلی دوست خواهد داشت.

همین طور که داشتم اشک می ریختم، گفتم: از این به بعد برای خدا گریه می کنم.

حالم خیلی منقلب بود، هنوز از آن امتحان سختی که کنار رودخانه برایم پیش آمده بود، دگرگون بودم.

همین طور که اشک می ریختم با توجه گفتم: یاالله! یاالله!

به محض تکرار این عبارت صدایی شنیدم که از همه طرف شنیده می شد. صدا از همه سنگ ریزه های شنیده می شد؛ از همه کوه ها و درخت ها و سنگ ها صدا می آمد!

همه می گفتند: سبوح قدوس ربنا و رب ملائکه و روح (پاک و مطهر است پروردگار ما و پروردگار ملائکه و روح).

وقتی صدا را شنیدم، ناباورانه همه جا را نگاه کردم، از ادامه بازی بچه ها فهمیدم که کسی نشنیده است.

احمد بعد از آن کمی سکوت کرد. بعد با صدایی آرام ادامه داد: از آن موقع بود که درهایی از عالم بر روی من گشوده شد.

احمد این را گفت و از جا بلند شد. بعد برگشت و گفت: این را برای تعریف از خود نگفتم، گفتم بدانی انسانی که گناه را ترک می کند چه مقامی پیش خدا دارد. (۱)

قرآن می فرماید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» (۲) از شما کسی نیست مگر اینکه وارد جهنم شود. منتهی ورود به معنای دخول نیست، همان طور که در مورد حضرت موسی علیه السلام فرموده است: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ» (۳) در حالی که ایشان کنار آب رفت و داخل آب نشد. بعد از این که همه وارد شدند، «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» (۴) کسانی را که اهل تقوا هستند، نجات می دهیم. امثال شهید تیری ها اهل نجات و عبور از صراط هستند.

## رفتار سازی

عبور از صراط کار هر کسی نیست، ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«النَّاسُ يَمُرُّونَ عَلَى الصِّرَاطِ طَبَقَاتٍ وَ الصِّرَاطُ أَذْقُ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ الْبُرْقِ وَ مِنْهُمْ ...» (۵)

ص: ۷۹

۱- . عارفانه، صص ۲۸ و ۲۹. راوی: دکتر محسن نوری.

۲- . مریم/ ۷۱.

۳- . قصص/ ۲۳.

۴- . مریم/ ۷۲.

۵- . الأملی (للسدوق)، النص، ص ۱۷۷.

مردم در عبور از صراط دارای طبقاتی هستند، و پل صراط از مو باریک تر و از شمشیر تیزتر است، پس از میان مردم برخی مانند برق از صراط عبور می کنند و برخی مانند دویدن اسب و برخی مانند کسی که با پای پیاده راه می رود و آتش می گیرد و برخی را صراط رها می کند.

حال که عبور از صراط طبق روایات اینقدر دشوار است، خوب است بدانیم چه کارهایی عبور از صراط را آسان می کند. ان شاء الله، به سه مورد از عواملی که بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام موجب تسهیل عبور از صراط می شود، اشاره می کنیم:

خوش اخلاقی:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «مَنْ حَسَّنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ (شهر رمضان) خُلِقَهُ كَانَ لَهُ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَرُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ» (۱)

هر که در ماه رمضان خوش اخلاق باشد، روزی که روی پل صراط قدم ها می لرزد، قدمش آن جا نمی لرزد؛ یعنی، حسن خلق آن جا جواز عبور می شود.

رعایت حق الناس:

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حق الناس بر گردنش باشد، روز قیامت از روی پل عبور نمی کند. «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ» (فجر / ۱۴)

محبت امیر المؤمنین:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لِكُلِّ شَيْءٍ جَوَازٌ وَ جَوَازُ الصِّرَاطِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (۲)

ص: ۸۰

۱- عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲- مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۱۵۶.

برای ورود و عبور از هر چیزی، اجازه لازم است و جواز عبور از صراط در قیامت، علاقه و اطاعت از امیرالمؤمنین علیه السلام است.

## روضه

پیامبر صلی الله علیه و آله حبّ علی علیه السلام را جواز صراط می نامد. من بانویی را می شناسم که به خاطر محبتش به علی علیه السلام شهیده شد.

شیخ عباس قمی می گوید: از سلیم بن قیس نقل شده: در سالی عمر بن خطاب نصف حقوق همه کارگزارانش را به عنوان غرامت (و کمبود بودجه و مالیات) برداشت، ولی حقوق قنفذ را به طور کامل پرداخت.

سلیم می گوید: به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم. گروهی را دیدم که در گوشه ای نشسته اند، همه آن ها از بنی هاشم بودند؛ جز سلمان، ابوذر، مقداد، محمدابن ابی بکر، عمر بن ابی سلمه و قیس بن سعد بن عباده. در این جلسه عباس عموی پیامبر به علی علیه السلام گفت: «چرا عمر مانند همه کارگزارانش، از حقوق «قنفذ» چیزی نکاست؟!»

علی علیه السلام به اطراف خود نگاهی کرد و قطرات اشک از چشمانش سرازیر شد، آنگاه فرمود:

«حقوق قنفذ را کم نکرد تا از او تشکر نماید به خاطر ضربه ای که او بر فاطمه نواخته بود. وقتی فاطمه از دنیا رفت اثر آن تازیانه در بازوی او وجود داشت و همانند بازوبند، نمایان بود».<sup>(۱)</sup>

ص: ۸۱

---

۱- کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۶۷۶.





هنگامی که آیات و إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْشُومٌ (۱) نازل گردید، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به شدت گریان شد و اصحاب آن حضرت نیز گریستند؛ در حالی که نمی دانستند چه آیه ای بر پیامبر نازل شده و کسی نیز قدرت نداشت با آن حضرت سخن بگوید و علت گریه شدید او را جویا شود.

چون پیامبر خدا صلی الله علیه وآله هر گاه فاطمه را می دید خوشحال می شد، یکی از اصحاب پیامبر به سوی خانه فاطمه علیها السلام روان گردید، وی مشغول آسیا کردن جو بود. حضرت فاطمه علیها السلام دست از کار کشید

ص: ۸۳

و لباسی را که دوازده جای آن با برگ نخل وصله شده بود، پوشید. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام نزد پیامبر رسید:

قَالَتْ يَا أَبَتِ فَدَيْتُكَ مَا الَّذِي أَبْكَاكَ فَذَكَرَ لَهَا مَا نَزَلَ بِهِ جِبْرَائِيلُ «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ».

فَسَقَطَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى وَجْهِهَا وَ هِيَ تَقُولُ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ.

فَسَمِعَ سَلْمَانَ فَقَالَ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ كَبِشًا لِأَهْلِي فَأَكُلُوا لِحِمِي وَ مَزَّقُوا جِلْدِي وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ.

وَ قَالَ أَبُو ذَرٍّ يَا لَيْتَ أُمِّي كَانَتْ عَاقِرًا وَ لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ. وَ قَالَ مِقْدَادٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ طَائِرًا فِي الْقِفَارِ وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيَّ حِسَابٌ وَ لَا عِقَابٌ وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ. (۱)

و علی علیه السلام فرمود: ای کاش درندگان مرا پاره پاره می کردند و مادرم مرا به دنیا نمی آورد، و چنین سخنانی به گوشم نمی رسید، سپس به شدت گریست و دست خود را بر سر نهاده و گفت:

آه از دوری سفر آخرت، آه از کم بودن توشه راه! آنان که در این سفر وارد آتش می شوند، چون بیمارانی هستند که از آن ها عیادتی به عمل نمی آید، و مجروحینی هستند که زخم های آن ها مداوا نمی شود، و اسیرانی هستند که دوران اسارتشان پایان نمی پذیرد، از آتش می خورند، از آن می نوشند، و در میان طبقات جهنم رفت و آمد

ص: ۸۴

می کنند. در حالی که پیش از آن لباس های نرم بر تن می پوشیدند، اکنون لباس های آتشین بر تن می کنند و در حالی که قبل از آن همنشین زنان خود بودند، در آتش، همنشین شیاطین خواهند بود.

## اقناع

شاید برای برخی این سؤال پیش بیاید: آیا واقعا خدا بنده هایش را اینقدر سخت عذاب می کند؟ این با رحمت خدا سازگار است؟ خداوند متعال می فرماید:

«فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ.» (۱)

سپس دلیل روشن و زنده ای برای عدم وجود ظلم در آن دادگاه بزرگ بیان می فرماید:

شما جز آنچه را عمل می کردید، جزا داده نمی شوید.

ظاهر این تعبیر بدون آنکه چیزی در تقدیر گرفته شود این است که جزای همه شما همان اعمال خودتان است، چه عدالتی از این بهتر و برتر؟!

اعمالی نیک و بدی که در این عالم انجام می دهید، در آنجا همراه شما خواهد بود، همان اعمال تجسم می یابد، و در تمام مواقع محشر و بعد از پایان حساب، همدم و همنشین شماست، آیا محصول اعمال کسی را به او تحویل دادن بر خلاف عدالت است؟ (۲)

این آیه تاکید مجددی است بر مسئله "تجسم اعمال" و بازگشت

ص: ۸۵

۱- .یس/۵۴.

۲- .تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۱۶.

آن به سوی انسان و مسئله عدالت پروردگار، چرا که آتش جهنم هر قدر سوزان باشد و مجازات آن دردناک، چیزی جز نتیجه اعمال خود انسان ها و اشکال تبدل یافته آن نیست. (۱)

به عنوان مثال، خدا درباره کسی که در اموال یتیم ظالمانه تصرف می کند، می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا.» (۲)

پس اعمال ما علاوه بر چهره ظاهری خود، یک چهره واقعی نیز دارد که در این جهان از نظر ما پنهان است، این چهره های درونی، در جهان دیگر ظاهر می شوند و مسئله تجسم اعمال را تشکیل می دهند. (۳)

### پرورش احساس

«إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَنصِتُوا يُعْثَبُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَفَقًا.» (۴)

در جای دیگر خدا نحوه ورود جهنمی ها را اینطور توصیف می کند:

«خُذُوهُ فَغُلُّوهُ، ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ، ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ

ص: ۸۶

۱- همان، ج ۲۲، ص ۴۲۲.

۲- نساء/۱۰.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۱.

۴- کهف/۲۹.

ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ، إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ» (۱)

امام صادق علیه السلام فرموده است: روزی پیامبر صلی الله علیه وآله نشستند بودند، ناگاه جبریل در حالی که پریده رنگ و اندوهگین و افسرده بود، آمد. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: چرا تو را چنین اندوهگین و افسرده می بینم؟ گفت: ای محمد! چرا چنین نباشم که امروز کوره های جهنم را نهادند!

پیامبر صلی الله علیه وآله پرسیدند: کوره های دوزخ چیست؟ گفت: خداوند متعال فرمانی صادر فرمود که هزار سال دوزخ را برافروختند تا سرخ شد و سپس فرمان داد هزار سال دیگر هم برافروختند تا از سرخی به سپیدی گرایید. باز فرمان داد هزار سال دیگر برافروختند، آنچنان که سیاهی وحشت زا گردید و اگر یک حلقه از زنجیری که درازی آن هفتاد ذرع است بر دنیا نهاده شود، از گرمای آن همه جهان ذوب خواهد شد و اگر قطره ای از گنداب های دوزخ بر آب های زمین فرو افتد، همه اهل دنیا از بوی گندش نابود خواهند شد. گوید، پیامبر صلی الله علیه وآله و جبریل علیه السلام گریستند. خداوند فرشته ای نزد آن دو فرستاد و فرمود: خدایتان بر شما سلام می رساند و می فرماید: شما را از اینکه گناهی انجام دهید که در دوزخ عذابتان کنم، در پرده عصمت و امان قرار دادم. (۲)

حاج میرزا حسین نوری صاحب «مستدرک الوسائل» از دارالسلام نوری از عالم زاهد سید هاشم حائری حکایت می کند:

ص: ۸۷

۱- الحاقه/ آیات ۳۰-۳۳.

۲- ترجمه الواعظین، ترجمه مهدوی دامغانی، ص ۷۹۵.

مبلغ یکصد دینار که معادل ده قران عجمی بود از یک نفر یهودی به عنوان قرض گرفتم که پس از بیست روز به او برگردانم، نصف آن را پرداخت کردم ولی برای پرداخت بقیه آن او را ندیدم. جستجو کردم، گفتند: به بغداد رفته.

شبی قیامت را در خواب دیدم، مرا در موقف حساب حاضر کردند، خداوند مهربان به فضلش مرا اذن رفتن به بهشت داد.

چون قصد عبور از صراط کردم، زفیر و شهیق جهنم مرا بر صراط نگاه داشت و راه عبور مرا بست، ناگاه طلبکار یهودی چون شعله ای از جهنم خارج شد و راه بر من گرفت و گفت: بقیه طلب مرا بده و برو. من تضرع کردم و به او گفتم: من در جستجوییت بودم تا بقیه طلبت را بپردازم، ولی تو را نیافتم. گفت: راست گفتم، ولی تا طلب مرا ندهی حق عبور از صراط نداری. گریه کردم و گفتم: من که در اینجا چیزی ندارم که به تو بدهم. یهودی گفت: پس بگذار به جای طلبم انگشت خود را بر یک عضو تو بگذارم. به این برنامه راضی شدم تا از شرش خلاص شوم، چون انگشت بر سینه ام گذاشت از شدت سوزش آن از خواب پریدم! (۱)

## رفتار سازی

در سوره مریم آیه ۷۲ خداوند می فرماید که متقین از آتش جهنم نجات پیدا می کنند.

«ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا.» (۲)

ص: ۸۸

---

۱- . دار السلام، ص ۲۶۸.

۲- . مریم/۷۲.

یکی از خصوصیات متقین این است که دچار عجب نمی شوند. نمی گوید: من که این همه نماز جماعت خواندم حتما به بهشت می روم. گاهی ما مسجدی ها دچار این حالت می شویم که بقیه را جهنمی می بینیم و فقط خودمان را اهل بهشت تصور می کنیم؛ این خیلی خطرناک است.

آقا امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه، متقین را معرفی می کنند. حضرت یکی از اوصاف متقین را اینطور می فرماید:

«لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ وَلَا يَسْتَكْبِرُونَ الْكَثِيرَ فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ.»

حضرت امام رضوان الله تعالى عليه درباره عجب کلامی دارند که خیلی تکان دهنده است. سری به کتاب چهل حدیث امام بزیند و حتما این قسمت کتاب را مطالعه کنید. ایشان در این بخش به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه وآله اشاره می کنند. (۱)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ وَثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمُنْجِيَاتُ قَالَ خَوْفُ اللَّهِ فِي السِّرِّ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ وَالْعِدْلُ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبُ وَالْقَصِيدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا الْمُهْلِكَاتُ قَالَ هَوَى مُتَّبِعٌ وَشُحٌّ مُطَاعٌ (۲) وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. (۳)

سعدان بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت می کند که رسول

ص: ۸۹

۱- چهل حدیث، امام خمینی، ص ۶۷.

۲- هوای نفسی که پیروی شود.

۳- بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۶۷، ص ۷.



خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یک روز همین طور که موسی بن عمران علیه السلام نشسته بود، ابلیس با کلاه رنگارنگی که بر سر داشت به سوی او آمد. چون به موسی نزدیک شد، کلاه را برداشت و پیش آمد و سلام کرد. موسی علیه السلام فرمود: تو کیستی؟ گفت: من ابلیس هستم. موسی فرمود: خدا آواره ات کند، برای چه آمده ای؟ گفت: آمده ام به خاطر منزلتی که نزد خدا داری به تو سلام کنم. موسی علیه السلام گفت: این کلاه چیست؟ گفت:

به وسیله این کلاه، دل های آدمیان را می ربایم (گویا رنگ های مختلف آن نمودار فریبندگی و شهوات و آرایش های دنیا و عقاید فاسد و ادیان باطل بوده است). موسی گفت: مرا خبر ده از آن گناهی که چون آدمیزاد مرتکب شود، بر او چیره می شوی و او را به سوی دلخواه و مراد خود میبری. شیطان گفت: هنگامی که او از خودش خرسند شود، و عملش را بسیار شمارد، و گناه او در نظرش کوچک جلوه کند. (۱)

با توجه به هلاک کننده بودن عجب به برخی راهکارهای ترک

عجب اشاره می کنیم: هر وقت به عباداتمان غره شدیم، ابتدا سه سؤال را از خودمان پرسیم:

۱- آیا عبادت های ما قبول شده است؟

۲- آیا عبادت های ما تباه نشده است؟ برخی از گناهان نماز و عبادت های یک عمر را «حبط» و تباه می کند.

ص: ۹۰

---

۱- .الأمالی (للمفید)، ترجمه استاد ولی، متن، ص ۱۷۲.

۳- آیا عاقبت به خیر خواهیم شد؟

۴- بعد سه مقایسه در ذهن خود انجام دهیم:

۵- مقایسه عبادت ها و نعمت هایمان؛

۶- مقایسه عبادت ها و گناهانمان؛

۷- مقایسه عبادت خودمان با عبادت اولیاء خدا:

امام باقر علیه السلام نقل می کند: وارد شدم، پدرم را دیدم که پایش ورم کرده، رنگش متغیر، چشمانش سرخ، پیشانی اش نشان سجده دارد، به گریه افتادم. وقتی متوجه من شد، فرمود: فلان نوشته را بیاور! در آن نوشته، از عبادت های علی علیه السلام کمی برایم خواند و کنار گذاشت و فرمود: چه کسی می تواند همچون علی علیه السلام عبادت کند؟ (۱)

### روضه

البته برای نجات از آتش جهنم راه های دیگری هم وجود دارد که اگر بر آن کارها مداومت داشته باشیم، امید نجات خواهد بود. خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی کرد:

«یا موسی اعلم أنه من بکی علیه أو أبکی أو تباکی حرمت جسده علی النار.» (۲)

امشب برای مصائب امام حسین علیه السلام گریه کنیم. امشب برای آن مصیبتی گریه کنیم که خود آقا هم گریه کرد؛ نه تنها گریه کرد، غش کرد! «ثم خرج من بعده القاسم بن الحسن علیه السلام و هو غلام صغیر لم يبلغ الحلم، فلما نظر الحسين علیه السلام إليه قد برز اعتنقه و جعلاً یبکیان

ص: ۹۱

۱- بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۷۵.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۴، ص ۳۰۹.

حتى غشى عليهما، ثم استأذن الحسين عليه السلام في المبارزه.

قاسم اذن گرفت و وارد ميدان شد. يك آن امام حسين عليه السلام ناله ای از قاسم شنيد. خودش را بالای سر قاسم رساند. «فوقف الحسين على رأس الغلام و هو يفحص برجلیه، فقال الحسين: عز والله على عمّك أن تدعوه فلا يجيبك، أو يجيبك و لا ينفعك بعدا لقوم قتلوك.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۹۲

---

۱- . تسليه المُجالس و زينه المَجالس (مقتل الحسين عليه السلام)، حسینی موسوی، ج ۲، ص ۳۰۵.

انگیزه سازی

هر انسانی در زندگی دنبال دستیابی به نداشته هایش است. گاهی حسرت رسیدن به نداشته ها، ما را از توجه به داشته های مهمی که داریم غافل می کند!

شخصی از شیعیان خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: آقا جان! من فقیرم، مشکل دارم، بیچاره ام ... مثل بعضی ها که تا گرفتاری پیدا می کنند انگار همه غم های عالم به دوششان آمده و جزع فرع می کنند!

حضرت فرمودند: حاضرید در دنیا هر چیز بخواهید به شما بدهند و محبت امیرالمؤمنین علیه السلام را از شما بگیرند؟

فرد مقداری تأمل کرد و دید اگر همه دنیا را هم به او بدهند به محبت علی علیه السلام نمی‌ارزد. گفت: نه.

بعد حضرت فرمودند: اینطور نگوئید! شما فقیر نیستید! فقیر کسی است که محبت امیرالمؤمنین علیه السلام را ندارد.

## اقناع اندیشه

ما روایات بسیار زیادی داریم که ولایت حضرت علی علیه السلام شرط ورود به بهشت است.

محبت امیرالمؤمنین علیه السلام سرمایه گرانقدر و ارزشمندی است که خدای متعال به ما شیعیان عنایت کرده است.

شرط ورود به بهشت الهی، با آن همه عظمتش، محبت و ولایت امیرالمؤمنین است و کسی که می‌خواهد وارد بهشت شود راهی جز این ندارد. اصلاً بهشت و جهنم دست امیرالمؤمنین علیه السلام است و اوست که «قسیم النار و الجنة» می‌باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَا عَلِيُّ إِنَّكَ قَسِيمُ النَّارِ وَ الْجَنَّةِ - وَ إِنَّكَ تَقْرَعُ بَابَ الْجَنَّةِ فَتَدْخُلُهَا بِلَا حِسَابٍ.» (۱)

علی جان تو هستی که بهشت و جهنم را تقسیم می‌کنی و تو در بهشت را می‌گشایی و بدون حساب وارد آن می‌شوی.

"عامر بن ثعلبه" قشنگ سروده:

عَلِيَّ حَبِّهِ جَنَّةٌ

قَسِيمُ النَّارِ وَ الْجَنَّةِ

وَصِيَّ الْمَصْطَفَى حَقًّا

إِمَامِ الْإِنْسِ وَ الْجَنَّةِ (۲)

ص: ۹۴

۱- صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۷.

۲- نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداه علیهم السلام، ص ۱۲۱.

در روایت بسیار زیبایی از وجود ذی جود نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله آمده است:

«لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَدِيَ اللَّهَ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ، وَ كَانَ لَهُ مِثْلُ أُحْرِدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يَحْجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ، ثُمَّ قُتِلَ مَظْلُومًا بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَ لَمْ يَدْخُلْهَا.» (۱)

علی جان! اگر بنده عابدی به اندازه عمر نوح عبادت کند و به اندازه کوه احد طلا در راه خدا انفاق کند و هزار بار پیاده به مکه مشرف شود و در بین صفا و مروه در حالی که مظلوم است، کشته شود، اما ولایت تو را نداشته باشد، بوی بهشت را نخواهد شنید و وارد بهشت نمی شود.

این جا یک سؤال مطرح می شود و آن اینکه چرا امیرالمؤمنین علیه السلام قسیم النار و الجنة می شود؟

این همه نبی و پیامبر الهی، چرا فقط محبت امیرالمؤمنین شرط ورود به بهشت است و مبغض امیرالمؤمنین علیه السلام جهنمی است؛ اگرچه محب همه انبیا و اولیای دیگر الهی باشد؟

چرا ولایت امیرالمؤمنین شرط قبولی و تأیید اعمال بندگان خداست؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت:

خدای متعال در چند جای قرآن کریم، از جمله سوره والعصر می فرماید: در آخرت همه اهل خسران و بیچاره اند و اهل نجات از

ص: ۹۵

جهنم نیستند، مگر انسان های با ایمان.

والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و... (۱)

چه کسانی با ایمان هستند؟ برویم سراغ قرآن کریم. خدای متعال در قرآن کریم، خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.» (۲)

نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند، مگر آنکه در نزاعی که میان آن هاست تو را داور قرار دهند و از حکمی که تو می دهی هیچ ناخشنود نشوند و سراسر تسلیم آن گردند.

در تفسیر شریف صافی روایت داریم که مراد از این آیه امیرالمؤمنین علیه السلام است.

وَ فِي الْكِتَابِ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَقَدْ خَاطَبَ اللَّهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ فِي قَوْلِهِ «...فَلَا وَ رَبِّكَ...» قَالَ فِيمَا تَعَاقَدُوا عَلَيْهِ لَئِنْ أَمَاتَ اللَّهُ مُحَمَّدًا لَأَيُّدُوا هَذَا الْأَمْرَ فِي بَنِي هَاشِمٍ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا.»

و در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت است که خداوند در قرآن امیرالمؤمنین علیه السلام را مخاطب نموده در آنجا که میفرماید «فلا...» فرمود: در آنچه که با هم تبانی کرده بودند که اگر محمد صلی الله علیه و آله از

ص: ۹۶

۱- . سوره مبارکه عصر.

۲- . نساء / ۶۵.

دنیا برود، این امر را به بنی هاشم باز نگردانند!

در ذیل این روایت در کتاب شریف بحار الانوار، علامه مجلسی می فرماید:

«أقول و سیأتی عن أمير المؤمنين عليه السلام أنها نزلت في مثل ذلك و بالجمله تدل علی أن الإيمان مشروط بالتسليم و الانقياد التام.»؛ در آینده روایتی مثل این از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل خواهیم کرد که فرمود این آیه در باره من نازل شده، و اجمالاً این آیه دلالت دارد بر اینکه ایمان مشروط بتسليم و انقياد کامل است.

در نتیجه بین ایمان و محبت و ولایت امیر المؤمنین ارتباط مستقیمی وجود دارد. به همین دلیل رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«يَقُولُ عُنْوَانُ صَاحِبِهِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

عنوان و سر برگ کارنامه اعمال مؤمن حب علی ابن ابی طالب علیه السلام است.

### تحریک احساس

به همین خاطر محب امیر المؤمنین علیه السلام نزد خدا خیلی آبرو پیدا می کند.

وجود نازنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی گرانقدر در شأن و مقام محبین حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«أَلَمَّا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَافَاهُ بِالْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا اسْتِغْفَرْتُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ بِغَيْرِ

ص: ۹۷



حِسَابِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ حَاسِبُهُ حِسَابَ الْأَنْبِيَاءِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنْ  
الْكُوْثِرِ وَ يَأْكُلَ مِنْ شَجَرِهِ طُوبَى وَ يَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ جَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ  
رِيَاضِ الْجَنَّةِ» (۱)

شاعر قشنگ سروده:

الهی ای فلک هرگز نگردی

اگر دور سر حیدر نگردی

الهی ای نفس بی یاد زهرا

اگر رفتی به سینه بر نگردی

آن کسی که امیر المومنین علیه السلام را ندارد، چه چیزی دارد؟! و آن کسی که محبت و ولایت امیر المومنین را به سینه  
دارد، چه کم دارد؟!

البته نباید این روایات ما را دچار اشتباه کند و مانند برخی تصور کنیم چون محبت امیرالمؤمنین را داریم پس هرچه گناه  
کردیم، اشکالی ندارد.

حاجب بروجردی از شعرا و مریدان امیرالمؤمنین بود، روزی شعری در وصف محبت علیعلیه السلام سرود:

حاجب اگر محاسبه حشر با علیست

من ضامنم، هر آنچه که خواهی گناه کن

شب حضرت را در عالم رؤیا دید. ایشان فرمود: حاجب می خواهی شعرت را درست کنم؟ عرض کرد: آقا جان شعر متعلق به  
شماست، بفرمایید. حضرت فرمودند:

ص: ۹۸

شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن

اصلا محب امیرالمؤمنین یعنی کسی که در جهت رضای حضرت و نزدیکی به حضرت تلاش می کند، نه اینکه العیاذبالله تلاشش در جهت فاصله گرفتن از امیرالمؤمنین باشد!

## رفتار سازی

محبت امیرالمؤمنین علیه السلام باید رفتار ما را علی گونه کند؛ هم در راستای ترک گناه و هم در راستای قرب به حضرت و عمل به سفارشات و دستورات و دغدغه های حضرت.

خود حضرت سفارش نمودند: «أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلٰی ذٰلِكَ وَ لٰكِنْ اَعِيْنُوْنِيْ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ» (۱)

آگاه باشید که شما نمی توانید مثل من باشید، ولی با پرهیز از گناه و تلاش و کوشش خود مرا یاری دهید.

پس سعی کنیم خودمان را به حضرت شبیه کنیم. اگر نمازمان تا نماز حضرت فاصله زیادی دارد، حداقل در رسیدگی به ایتم که وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام است کوتاهی نکنیم. حضرت علی علیه السلام در وصیتشان می فرمایند:

... اللَّهُ اللّٰهُ فِي الْاٰثِمَامِ فَلَا تُعَيِّرُوْا اَفْوَاهَهُمْ وَ لَا تُضَيِّعُوْا مَنْ بِحَضْرَتِكُمْ ، فَقَدْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُوْلُ: «مَنْ عَالَ يَتِيْمًا حَتّٰى يَسْتَغْنٰى اَوْجَبَ اللّٰهُ لَهُ بِذٰلِكَ الْجَنَّةَ كَمَا اَوْجَبَ

ص: ۹۹

خدا را، خدا را در باره ایتم! [در نظر بگیرید] دهان آنان را تغییر ندهید. و آن عده از یتیمان که نزد شما هستند ضایع نشوند. از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «هر کس مخارج یتیمی را بر عهده بگیرد تا او مستغنی شود، خداوند در مقابل آن بهشت را بر او واجب می کند، همان طور که به خورنده مال یتیم آتش را واجب می نماید.»<sup>(۱)</sup>

اگر می توانید بیایید این شب های قدر تکفل یک یتیم را بر عهده بگیرید. ماهی ۱۵ هزار تومان چیزی از شما کم نمی کند، ولی دل یتیمی را روشن می کند.

بیاید کاری کنید که آخرت همنشین پیامبر شوید. خوشا به حال آن ها که از فرصت استفاده می کنند و برای قیامتشون کاری می کنند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أنا و كافل اليتيم كهاتين في الجنة إذا اتقى الله عزّ و جلّ، و أشار بالسّبابه و الوسطى.»

از عبد الله بن مسعود نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که به انگشت سبابه و انگشت وسط خود اشاره می کرد، فرمود: من و سرپرست یتیم در بهشت مانند این دو هستیم، به شرط آنکه سرپرست یتیم از خدا پروا داشته باشد.<sup>(۲)</sup>

آنانی که برایشان مقدور نیست، در حد توان مبلغی ولو ناچیز، از حقوقشان را برای ایتم کنار بگذارند.

ص: ۱۰۰

---

۱- . أسرار آل محمد عليهم السلام، ترجمه کتاب سلیم، ص ۶۴۱ و نهج البلاغه (للصّبحی صالح)، ص ۴۲۲.

۲- . الحکم الزاهره با ترجمه انصاری، ص ۴۱۷.

حتی اگر تمکن مالی زیادی ندارید، حتما سرکشی به ایتم و درد دل کردن با آن ها و شنیدن حرفشان را در برنامه خود قرار دهید. شهدا هم این کارها را می کردند. همسر شهید چمران می گوید: در لبنان که بودیم یتیم خانه ای راه انداخت و چهارصد یتیم را پدری می کرد. شب ها تا دیر وقت کنارشان بود. (۱)

## روضه

رفقا! مولای ما با این همه عظمتی که داشت تاب دیدن اشک بچه یتیم را نداشت. شب ها به خانه یتیمان می رفت. به آن ها رسیدگی می کرد، نمی گذاشت رنج یتیمی را حس کنند. بچه های یتیم ایشان را بابا صدا می کردند... ولی مردم کوفه خوب جبران کردند، خیلی خوب جواب محبت های علی را دادند؛

اهل کوفه خانه آرایبی کنید

میهمان آمد پذیرایی کنید

میهمان دخت علی مرتضی است

کوفه با نام علی خوب آشناست

کوفه را حق علی بر گردن است

کوفیان وقت تلافی کردن است

عجب تلافی کردند، شهر را زینت کردند و اهل بیت را سر بازار بردند و پایکوبی کردند!

ص: ۱۰۱

زینب و کوچہ و بازار کجا؟

زینب و این همه آزار کجا؟

زینب و مجلس اغیار کجا؟

زینب و تشت و سر یار کجا؟

مظلوم حسین حسین حسین ...

ص: ۱۰۲

أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ دَخَلَ مَعَهُ فِي قَبْرِهِ سِتَّةُ صُورٍ فِيهِنَّ صُورَةٌ هِيَ أَحْسَنُهُنَّ وَجْهًا وَ أَبْيَاهُنَّ هَيْئَةً وَ أَطْيَبُهُنَّ رِيحًا وَ أَنْظَمُهُنَّ صُورَةٌ قَالَ فَيَقِفُ صُورَةٌ عَنْ يَمِينِهِ وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهِ وَ أُخْرَى بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أُخْرَى خَلْفَهُ وَ أُخْرَى عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَ يَقِفُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُهُنَّ فَوْقَ رَأْسِهِ فَإِنْ أُتِيَ عَنْ يَمِينِهِ مَنَعَتْهُ الَّتِي عَنْ يَمِينِهِ ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى أَنْ يُؤْتَى مِنَ الْجِبْهَاتِ السَّتِّ قَالَ فَتَقُولُ أَحْسَنُهُنَّ صُورَةٌ مَنْ أَنْتُمْ جَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا فَتَقُولُ الَّتِي عَنْ يَمِينِ الْعَبْدِ أَنَا الصَّلَاةُ وَ تَقُولُ الَّتِي عَنْ يَسَارِهِ أَنَا الزَّكَاةُ وَ تَقُولُ الَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَنَا الصِّيَامُ وَ تَقُولُ الَّتِي خَلْفَهُ أَنَا الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ وَ تَقُولُ الَّتِي عِنْدَ رِجْلَيْهِ أَنَا بَرٌّ مَنْ وَصَلَتْ مِنْ إِخْوَانِكَ.

وقتی بنده مومن می میرد و وارد قبر می شود، شش چهره نورانی با او وارد قبر می شوند؛ در بین این شش صورت، یکی از همه نورانی تر و بشاش تر و زیباتر است؛ یکی از آن ها طرف راست این شخص در قبر قرار می گیرد، یکی چپ او، یکی روبروی او، یکی پشت سر او، یکی نزدیک پاهای او و آن که از همه نورانی تر است، بالای سر او می ایستد. این شخص که در قبر آرمید، این شش صورت در برابر هر حادثه و مشکلی که بخواهد به او آسیب برساند، از هر طرف از وی حمایت می کنند. آن که از همه نورانی تر است، از دیگران می پرسد شما کیستید؟ خدا جزای خیر به شما بدهد. آن که طرف راست قرار دارد، می گوید: من نمازم؛ و آن که طرف چپ قرار دارد، می گوید: من زکاتم؛ و آن که جلو او قرار دارد، می گوید: من روزه ام؛ و آن که پشت سر او قرار دارد، می گوید: من حج و عمره ام؛ و آن که نزدیک پاهای او قرار دارد، می گوید: من نیکی و احسانم که به برادران مؤمنت روا داشتی. بعد می گویند:

«مَنْ أَنْتَ فَأَنْتَ أَحْسَنُهَا وَجْهًا وَأَطْيَبُنَا رِيحًا وَأَبْهَانَا هَيْئَةً فَتَقُولُ أَنَا الْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.» (۱)

شما کی هستید که از ما زیباتر و خوش بوتر و با هیبت تری؟ می گوید: من ولایت آل محمدم.

### اقناع اندیشه

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

ص: ۱۰۴

«يُنَبِّئُ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ  
الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْنَهُنَّ.» (۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: «بنای اسلام روی پنج چیز است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت.»

زراره می گوید: به حضرت عرض کردم: کدامیک از اینها برتر است؟

فرمود: «ولایت برتر است. زیرا ولایت کلید آنهاست و شخص والی دلیل و راهنمای آن هاست.»

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«الْيَوْمَ يَنْسَسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ  
الْإِسْلَامَ دِينًا.» (مائده / ۳)

امروز کافران از (زوال) آئین شما مأیوس شدند، بنا بر این از آن ها نترسید و از (مخالفت) من بترسید، امروز دین شما را کامل  
کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

فرق اکمال و اتمام چیست؟

تمام در جایی گفته می شود که اجزای چیزی باید پشت سر یکدیگر بیاید؛ تا وقتی که هنوز همه اجزایش مرتب نشده می  
گوییم

ص: ۱۰۵



ناقص است؛ وقتی آخرین جزئش هم آمد می‌گوییم تمام شد.

اما در مورد کامل، این طور نیست که [شیء غیر کامل] جزء ناقص دارد، بلکه ممکن است هیچ جزء ناقص و ناتمامی نداشته باشد ولی هنوز کامل نباشد ... مقصود این است که چون اکنون اسلام به حد کمال و حد تمام رسید این همان دین مرضی الهی است. (۱)

شاید کسی سوال کند که از کجا معلوم که منظور از یوم، روز غدیر است، شاید روز فتح مکه و یا روز عرفه باشد و یا در مورد یکی از احکام اسلام باشد.

مطلبی در آیه است که تمام احتمالات را از بین می‌برد و آن اتمام نعمت است و حال آنکه تنها بعد از این واقعه بود که هیچ حکمی نازل نشد. فخر رازی در تفسیر خود گوید: اصحاب آثار گفته‌اند که: چون این آیه بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، پس از نزول آن بیش از هشتاد و یک و یا هشتاد و دو روز عمر نکردند و بعد از این آیه در شریعت اسلام، زیاده و تبدیل و نسخی واقع نشد؛ (۲) یعنی، اگر کسی دین اسلام را قبول کرده باشد و تمام احکام را هم قبول کند و هم عمل کند، ولی ولایت را قبول نداشته باشد، نه دین او کامل است و نه نعمت خدا بر او تمام است و نه خدا از اسلام او راضی است.

نه تنها مسلمانان، بلکه اگر این فرد رسول خدا هم باشد، اسلام

ص: ۱۰۶

---

۱- [۳] امامت و رهبری، شهید مطهری، ص ۸۸ و ۸۹.

۲- . تفسیر الرازی، ج ۱۱، ص ۱۳۹.

او قبول نیست. در آیه ۶۷ سوره مائده خداوند فرمود: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته.» خداوند آن قدر به ولایت اهمیت می دهد که می فرماید: ای رسول اگر ولایت را اعلام نکنی رسالت را تمام نکردی.

دوستان! رسالت شامل چیست؟ شامل وحدانیت خدا، احکام خدا، معاد و قیامت، و همه چیز دین؛ پس، یعنی ولایت همسنگ همه دین است. به همین دلیل رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک حدیث عجیب فرمودند: «و لو لم أبلغ ما أمرت به من ولایتک لحبط عملی.»<sup>(۱)</sup>

## پرورش احساس

دوستان خوبم! قدر خودتان را بدانید و به شیعه بودن خود افتخار کنید، این روایت را ببینید:

روی عن ابن عباس قال: سأل رجل رسول الله صل الله عليه و آله عن عمل يدخل به الجنة قال رسول الله : صل الله عليه و آله صل المكتوبات و صم شهر رمضان و اغتسل من الجنابه و أحب علياً و ادخل الجنة من أي باب شئت؛ فوالذي بعثني بالحق لو صليت ألف عام و صيمنت ألف عام و حججت ألف حجه و غزوت ألف غزوه و اعتقت ألف رقبه و قرأت التوراة و الإنجيل و الزبور و الفرقان و لقيت الأنبياء كلهم و عبدت الله تعالى مع كل نبي ألف عام و جاهدت معهم ألف غزوه و حججت مع

ص: ۱۰۷

۱- . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۵۵.

كُلُّ نَبِيٍّ أَلْفَ حَجَّهِ ثُمَّ مِتَّ وَ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِكَ حُبٌّ عَلَيَّ وَ أَوْلَادِهِ أَدْخَلَكَ اللَّهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ. (۱)

از ابن عباس روایت شده که مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره عملی که به واسطه آن می توان وارد بهشت شد، سؤال کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «نمازهای واجب را بخوان و ماه رمضان را روزه بگیر و از جنابت غسل کن و علی را دوست بدار و [آنگاه] از هر دری که می خواهی وارد بهشت شو! به خدایی که مرا به حق برانگیخت، اگر هزار سال نماز بخوانی و هزار سال روزه بگیری؛ و هزار بار حج به جای آوری؛ و هزار مرتبه در راه خدا بجنگی؛ و هزار بنده در راه خدا آزاد کنی؛ و تورات و انجیل و زبور و قرآن را بخوانی؛ و تمام پیامبران را ملاقات کنی و با هر پیامبری هزار سال خدا را عبادت کنی و در رکاب هر پیامبری هزار بار در راه خدا پیکار کنی و با هر کدام هزار مرتبه حج به جا آوری؛ بعد بمیری و حال آنکه که در دل تو دوستی علی و اولادش نباشد، خداوند تو را با منافقان وارد آتش جهنم کند.» (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی با عده ای از مسلمانان بیرون مسجد نشسته بودند که به ناگاه چهار نفر سیاه پوست را مشاهده کردند که مشغول حمل جنازه ای بودند و آن را به طرف گورستان می بردند. خواستند متوفی را بشناسند؛ پارچه ای که روی آن کشیده شده بود، گشودند و به علی علیه السلام گفتند:

این شخص "رباح"، غلام سیاه پوست بنی نجار است.

ص: ۱۰۸

۱- طرف من الأنباء و المناقب، ابن طاووس، ص ۳۰۴.

۲- [۶]. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۵۳.

علی با دیدن او گفت:

یا رسول الله!

هر وقت که این غلام مرا مشاهده می کرد، شاد می شد و می گفت: علی جان! من تو را دوست دارم. وقتی که این سخن را از علی علیه السلام شنید، برخاستند و دستور دادند که جنازه را غسل دهند و سپس لباس خود را به عنوان کفن بر او پوشاندند و همگی برای تشییع جنازه او به راه افتادند. در بین راه صدای عجیبی از آسمان بلند شد، به علی علیه السلام گفتند: علی جان! می دانی چه صدایی است؟

این صدای نزول هفتاد هزار فرشته از آسمان بود که برای همراهی جنازه این "محب تو" به زمین آمده اند. در نهایت، جنازه این غلام را به دست خودشان در قبر گذاشتند و صورت او را بر خاک نهادند و سنگ لحد را چیدند و بعد از آن فرمودند: یا علی! نعمت های بهشتی که بر این غلام رسید، همه به خاطر محبت و عشق به توست. (۱)

### رفتار سازی

دوستان! خداوند محبت نسبت به ولی را هیچ وقت بدون امتحان نمی گذارد و امتحان ولایت در عصر غیبت، تبعیت از ولایت فقیه است.

عمر بن حنظله عن ابی عبد الله علیه السلام: «من کان منکم، ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا، فلیرضیا»

ص: ۱۰۹

---

۱- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۹، ص ۲۸۹.

به حکما، فائى قد جعلته عليكم حاکما؛ فاذا حکم بحکم و لم يقبله منه، فائما بحکم الله استخف، و علينا ردّ و الراء علينا كالراء على الله و هو على حدّ من الشرك بالله» (۱)

در میان افراد خود نگاه کنند و کسی را بیابند که حدیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و از احکام ما با خبر است، او را به داوری برگزینند، که من چنین کسی را بر شما حاکم و داور قرار می دهم. چون (چنین کسی) حکم کند و از او نپذیرد، چنان است که حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده باشد، و آنکه ما را رد کند همچون کسی است که خدا را رد کرده باشد، و در مرز شرک به خدا قرار دارد.

اطاعت از ولایت فقیه برای اینست که تمرین کنیم هنگام مواجهه با امام زمان علیه السلام در مقابل نظر حضرت، خودمان را صاحب نظر ندانیم؛ مانند مالک اشتر که دو قدمی خیمه معاویه بود، وقتی آقا امر کردند: برگرد! نگفت: آقا! دو قدم مانده! نگفت: آقا نمی داند من در چه شرایطی هستم، بگذار من به تشخیص خودم عمل کنم! (۲)

## روضه

یا مانند علمدار حسین علیه السلام، قمر منیر بنی هاشم؛ سینه اش تنگ شده بود، از برادر اذن جنگ خواست، ولی وقتی برادر درخواست

ص: ۱۱۰

---

۱- [۴] الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۲، ص ۴۵۱ و کافی، ج ۱، ص ۶۷ و وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴ و مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۱ و التهذیب، ج ۶، ص ۲۱۸. همچنین جهت توضیح بیشتر رجوع شود به کتاب ولایت فقیه نوشته آیت الله جوادی آملی حفظه الله.

۲- . إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۲، ص ۲۴۹.

کرد که فقط برود و برای خیمه ها آب بیاورد، چون امام شناسی اش کامل بود، یک لحظه هم تردید نکرد و رفت. فقط حسین علیه السلام شنید عباس صدایش می کند: یا ابا ادرک! ابا! نمی دانم آقا بالای جنازه عباسش چه دید که ناله کرد: «الآن انكسر ظهري و قلت حيلتي» (۱)

ص: ۱۱۱

---

۱- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۵، ص ۴۲.



انگیزه سازی

آقای قرائتی نقل می کنند: یکی از علمای همدان به نام آخوند ملا علی همدانی هم دوره حضرت امام بود. بیست سال پیش چیزی را با واسطه از ایشان شنیدم؛ رفتم تا از زبان خودش بشنوم. گفتم: شنیده ام شما وارد صحن ابوالفضل علیه السلام شده ای و دیده ای خیلی شلوغ است. وقتی پرسیدی چه خبر است، گفته اند یک بچه رفته بوده سر مناره کبوتر بگیرد؛ پرت شده، پدر بچه این صحنه را دیده و گفته: بایست! بچه بین زمین و هوا ایستاده و با نردبان او را گرفته اند. آیا شما به عنوان یک آیت الله عادل چنین چیزی دیدی؟

گفت: بله. من وارد شدم و چنین صحنه ای دیدم. رفتم و قصه را پی گیر شدم تا آن پدر را پیدا کردم. به او گفتم: آقا! بگو شما چه



کسی هستی؟ گفت: شغل من حمالی است. (۱)

بله. تعجب ندارد. شاید فکر کنیم فقط علما و بزرگان دین باید چنین مقامی داشته و مستجاب دعوه باشند و یک شخص عادی نمی تواند به چنین درجه ای برسد؛ این چنین نیست. یک نمونه آوردم تا روشن شود که حتی یک حمال هم می تواند دعا کند و همان لحظه دعایش مستجاب شود، چرا که خداوند به بندگانش می فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ.» (غافر/۶۰)

عزیزان! امشب که از شب های قدر است، شب دعاست. «الدُّعَاءُ مُيُخِّ الْعِبَادَةَ» (۲) حتی در بعضی از روایات، دعا کردن، از تلاوت قرآن هم افضل شمرده شده، چنان که از پیامبر صلی الله علیه وآله و امام باقر و امام صادق علیهما السلام (۳) نقل شده که فرمودند: «الدُّعَاءُ أَفْضَلُ مِنْ قِرَائَةِ الْقُرْآنِ.» (۴)

### اقناع اندیشه

زیاد سؤال می شود که مگر خداوند نفرموده: ادْعُونِي؛ آی بنده ها! دعا کنید تا اَسْتَجِبْ لَكُمْ؟ دعا می کنیم پس چرا مستجاب نمی شود؟! اجازه بدهید جواب را از امام صادق علیه السلام بشنویم:

ص: ۱۱۴

- ۱- . درسهایی از قرآن سال ۷۰، شرایط استجاب دعا (۱)، ص ۳، نرم افزار مجموعه آثار حجه الاسلام قرائتی از مؤسسه علوم اسلامی نور.
- ۲- . بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.
- ۳- . تفسیرالمیزان، ج ۲، (ذیل آیه ۱۸۶ بقره).
- ۴- . خود خدا می فرماید: قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ بگو اگر دعای شما نباشد پروردگار من هیچ اعتنایی به شما نخواهد کرد.

«...فَإِنْ لَمْ تَأْتِ بِشَرْطِ الدُّعَاءِ فَلَا تَنْتَظِرِ الإِجَابَةَ»؛ در ادامه حضرت می فرماید: «وَاعْلَمُ أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ أَمْرًا بِالدُّعَاءِ لَكُنَّا إِذَا أَخْلَصْنَا الدُّعَاءَ تَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالِإِجَابَةِ، فَكَيْفَ وَقَدْ ضَمِنَ ذَلِكَ لِمَنْ أَتَى بِشَرَائِطِ الدُّعَاءِ...» (۱)

خداوند ضمانت کرده اگر بنده با شرایطش دعا کند، به خواسته اش برسد. ما دعا می کنیم، ولی از شرایط و لوازم آن غافل هستیم؛ در نتیجه، ثمری نمی گیریم.

۱. اگر شما بخواهید به کسی تلفن کنید، برقراری ارتباط چند شرط دارد:

باید زمان را بدانید: «وَبِالْأَسْبَاطِ حَارٍ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ.» (ذاریات / ۱۸) یکی از برکات ماه رمضان اینست که بسیاری که در طول سال سحرها خواب هستند، در ماه رمضان سحر بیدارند.

۲. مکان را بدانیم.

۳. شماره را بدانیم.

۴. تلفن خراب نباشد.

اگر ماشین خراب باشد، هر چه بنزین در آن بریزی حرکت نمی کند؛ چون موتور خراب است. قلب باید سالم باشد. تلفن باید سالم باشد، سیم باید وصل باشد.

گاهی وقت ها ما به کسی تلفن می کنیم، ولی آن شخص نمی خواهد با ما صحبت کند؛ می گوید: بگو نیست! بگو نیست! یا دو شاخه را می کشد، ولی خدا دوست دارد جواب ما را بدهد،

ص: ۱۱۵

می گوید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»<sup>(۱)</sup>؛ تماس بگیرید دوستتان دارم. به همین دلیل می گویند: یکی از کلماتی که خیلی مفید است، همین کلمه است: «یا اله العاصین». ای خدای گناه کارها. حرف زدن با خدا فرمول می خواهد. آدم باید بلد باشد چه جور حرف بزند<sup>(۲)</sup>.

## پرورش نیت

باید شرایط دعا رعایت شود تا ارتباط برقرار و خواسته برآورده شود. اجازه دهید به بخشی از شرایط استجاب دعا اشاره کنیم:

۱. نیت صادق و قلب مخلص و بی ریا.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بِنَيْتِهِ صَادِقَةٍ وَقَلْبٍ مُّخْلِصٍ أُسْتَجِيبَ لَهُ بَعْدَ وَفَائِهِ بِعَهْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِذَا دَعَا اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - لِعَبْدٍ لَيْسَ لَهُ نَيْتٌ رَاسِتٌ وَدَلِيٌّ بِإِخْلَاصٍ، خَدَّوْنَد تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَا بِخَوَانَد وَبِه عَهْدِ خَدَّوْنَد عَزَّ وَجَلَّ نِيْز وَفَا كِنْد، دَعَايْش مُسْتَجَاب مِي شُود، اَمَا اِكْر خَدَّوْنَد عَزَّ وَجَلَّ رَا بَدُوْن نِيْتٍ وَ اِخْلَاصِ بِخَوَانَد، دَعَايْش اِجَابِت نَشُود. مَكْر نِه اَيْن كِه خَدَّوْنَد مُتَعَال مِي فَرْمَايْد: «بِه عَهْد مِنْ وَفَا كِنِيْد، بِه عَهْد شَمَا وَفَا مِي كِنْم؟» پَس كَسِي كِه وَفَا كِنْد، وَفَا بِيْنْد.

پس، دعا انسان را تربیت می کند. برای حل مشکل به در خانه

ص: ۱۱۶

۱- . بقره/۲۲۲.

۲- . درسهایی از قرآن سال ۷۲، فضیلت شب قدر، ص ۵.

۳- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۰، ص ۳۸۰.

خدا می رویم، ولی می دانیم بدون اخلاص نیت و صفای قلب این امر امکان پذیر نیست، به همین جهت باید در پی خودسازی و تربیت خود باشیم.

آقای قرائتی نقل می کردند: یک بچه هرزه از ناوایی سنگگی نان گرفته بود، دید پیرمردی دولا دولا راه می رود، یکی از این شن های داغی که به نان سنگگ هست را انداخت توی یقه این پیرمرد. این پیرمرد هم سوخت. برگشت و پسر بچه را دید. گفت: دستت فلج شود، من را سوزاندی. چون این پیرمرد سوخت و با آن آه دعا کرد، دست بچه فلج شد. هر دکتري بردند، فايده ای نداشت. آمدند نزد این پیرمرد که این بچه بود؛ نفهم بود، او را حلال کن. گفت: خیلی خوب! من او را بخشیدم. گفتند: او را دعا کن که خوب شود! گفت: نه، باید یک شن دیگر باشد! چون آن وقتی که دعا کردم این شن من را سوزاند، باید صبر کنید تا من حالی پیدا کنم و یک بار دیگر دلم بسوزد و با آن سوز دل دعا کنم. (۱)

## ۲. غذای حلال

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایت بسیار زیبایی هشدار می دهند: «إِطْبَ كَسْبِكَ تُسْتَجَابُ دَعْوَتُكَ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرْفَعُ إِلَيْهِ حَرَامًا فَمَا تُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا»؛ کسب و درآمدت را پاک کن تا دعاهایت مستجاب شود؛ زیرا یک لقمه حرام باعث می شود که دعا تا چهل روز مستجاب نشود.

در جایی دیگر حضرت به این شرط اشاره کرده، می فرماید: «إِنَّ

ص: ۱۱۷

الْعَبْدَ لِيَرْفَعَ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَطْعَمُهُ حَرَامٌ فَكَيْفَ يُسْتَجَابُ لَهُ وَ هَذَا حَالُهُ» (۱)

با توجه به شرایط ذکر شده دعا، آیا ما این شرایط را فراهم کرده ایم؟ آیا غذای پاک، قلب خالی از اغیار، صفا و اخلاص نیت و معرفت و شناخت خداوند را تحصیل کرده ایم؟

اگر فاقد این شرایط هستیم، باید در راه تحصیل آن بکوشیم. مخصوصاً، ماه مبارک رمضان- که ماه رحمت و لطف الهی است و روح انسان آمادگی بیشتری دارد- فرصت بسیار مناسبی است برای دعا و تحصیل شرایط.

## رفتار سازی

کسی نزد امیر مؤمنان علیه السلام از عدم استجابت دعا شکایت کرد و گفت: با این که خداوند فرمود، دعا کنید، من اجابت می کنم، چرا ما دعا می کنیم و به اجابت نمی رسد؟! حضرت پاسخ فرمود:

«إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَانَ بِثَمَانٍ خِصَالٍ:

أُولَاهَا: أَنْكُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُوَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ فَمَا اغْنَتْ عَنْكُمْ مَعْرِفَتَكُمْ شَيْئاً؛

وَالثَّانِيَةُ: أَنْكُمْ آمَنْتُمْ بِرَسُولِهِ ثُمَّ خَالَفْتُمْ سُنَّتَهُ وَ آمَنْتُمْ شَرِيْعَتَهُ فَأَيْنَ ثَمَرَهُ إِيمَانِكُمْ؟

وَالثَّالِثَةُ: أَنْكُمْ قَرَأْتُمْ كِتَابَهُ الْمُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ وَ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا ثُمَّ خَالَفْتُمْ؛

ص: ۱۱۸

وَالرَّابِعَةُ: أَنْكُمْ قُلْتُمْ تَخَافُونَ مِنَ النَّارِ وَ أَنْتُمْ فِي كُلِّ وَقْتٍ تَقْدُمُونَ إِلَيْهَا بِمَعَاصِيكُمْ فَأَيْنَ خَوْفُكُمْ؟

وَالْخَامِسَةُ: أَنْكُمْ قُلْتُمْ تَرْغُبُونَ فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتُمْ فِي كُلِّ وَقْتٍ تَفْعَلُونَ مَا يُبَاعِدُكُمْ مِنْهَا فَأَيْنَ رَغْبَتُكُمْ فِيهَا؟

وَالسَّادِسَةُ: أَنْكُمْ أَكَلْتُمْ نِعْمَةَ الْمَوْلَى فَلَمْ تَشْكُرُوا عَلَيْهَا؛

وَالسَّابِعَةُ: أَنَّ اللَّهَ أَمَرَكُمْ بِعَدَاوَةِ الشَّيْطَانِ وَقَالَ «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» فَعَادَيْتُمُوهُ بِلَا تَوَلٍّ وَ وَالْيَتِيمُوهُ بِلَا مُخَالَفَةٍ؛

وَالثَّامِنَةُ: أَنْكُمْ جَعَلْتُمْ عُيُوبَ النَّاسِ نَصَبَ أَعْيُنِكُمْ وَ عُيُوبَكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ تَلُومُونَ مَنْ أَنْتُمْ أَحَقُّ بِاللَّوْمِ مِنْهُ فَأَيُّ دُعَاءٍ يُشِيتَجَابُ لَكُمْ مَعَ هَذَا وَقَدْ سَدَدْتُمْ أَبْوَابَهُ وَ طُرُقَهُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اضْلِمُوا أَعْمَالَكُمْ وَ أَخْلَصُوا سِرَائِرَكُمْ وَ آمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُشْتَجَبُ لَكُمْ دُعَائُكُمْ.»

قلب و فکر شما در هشت چیز خیانت کرده:

۱- شما خدا را شناخته اید، اما حق او را ادا نکرده اید، به همین دلیل شناخت شما سودی به حالتان نداشته است؛

۲- شما به فرستاده او ایمان آورده اید، سپس با سنتش به مخالفت برخاسته اید، ثمره ایمان شما کجاست؟

۳- کتاب او را خوانده اید، ولی به آن عمل نکرده اید؛

۴- شما می گوئید از کیفر خدا می ترسید، اما همواره کارهایی می کنید که شما را به آن نزدیک می سازد؛

۵- می گوئید به پاداش الهی علاقه دارید، اما همواره کاری

می کنید که شما را از آن دور می سازد؛

۶- نعمت خدا را می خورید و حقّ شکر او را ادا نمی کنید؛

۷- به شما دستور داده دشمنِ شیطان باشید و شما طرح دوستی با او می ریزید؛

۸- شما عیوب مردم را نصب العین خود ساخته و عیوب خود را پشت سر افکنده اید. با این حال چگونه انتظار دارید دعایان به اجابت برسد؟ در حالی که خودتان درهای آن را بسته اید؟ تقوا پیشه کنید، اعمال خویش را اصلاح نمایید، امر به معروف و نهی از منکر کنید تا دعای شما به اجابت برسد. (۱)

### روضه

شب نوزده ماه رمضان است؛ شب ضربت خوردن امیر المؤمنین. گویا امشب دعای علی علیه السلام هم مستجاب شد. در بعضی نقل ها آمده: دیشب آقا لحظاتی خوابیدند و بعد بیدار شدند. اشک در چشم های مولا حلقه زد. مگر دختر می تواند اشک بابا را ببیند. سؤال کرد: بابا، چرا گریه می کنی؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، فرمود: هَلُمَّ إِلَيْنَا؛ علی جان، پیش ما بیا، ما مشتاق و منتظریم.

فرمود: بابا، شما چه عرض کردی؟ عرض کردم: یا رسول الله، وَ أَنَا مُشْتَاقٌ إِلَيْهِ؛ من هم مشتاقم. من هم از این بی مهری ها، از این سختی ها، از این رنج ها و از آن غصب ها خسته شده ام. (۲)

ص: ۱۲۰

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۰، ص ۳۷۶.

۲- سوگنامه آل محمد، ص ۴۶.

مگر می شود کسی بیست و پنج سال نگاهش به نگاه قاتلان همسرش بیفتد و برای خدا صبر کند؟! امیر المؤمنین خیلی سختی کشید. سی سال انتظار شب نوزدهم را میکشید. آن شبی که فاطمه اش را در قبر گذاشت، گفت: فاطمه جان! کاش علی جان میداد. فاطمه جان! کاش مرگ علی هم میرسید. مبادا عمر علی بعد از تو طولانی شود!

سی سال گذشت، مثل دیشبی در محراب عبادت صدا زد: «فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ! هَذَا مَا وَعَيْدَ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»<sup>(۱)</sup>

من نمی دانم چه شد؟ اما همین قدر می دانم بعد از نماز صبح دو فریاد بلند شد، یک فریاد می گفت: وا اماماه! یک فریاد می گفت: وا ابتاه! یک فریاد می گفت: وا محمداه! یک فریاد می گفت: وا سیداه! یک فریاد از زینب علیها السلام بود که می گفت: بابای خوبم. یک فریاد از یاران بود که می گفت: آقای خوبم، ارباب خوبم، امام خوبم.

صدای وا سیداه، وا اماماه، در کوفه پیچید. بچه های علی آمدند مسجد، بابا را به منزل آوردند.<sup>(۲)</sup> امام حسن علیه السلام رو به پدر کرد و گفت: بابا، «وَ انْقَطَعَ ظَهْرِي»؛<sup>(۳)</sup> بابا کمرم شکست. بابا! کاش مرده بودم؛ «لَيْتَ الْمَوْتَ اَعْدَمَنِي الْحَيَاةَ»<sup>(۴)</sup>

ص: ۱۲۱

- 
- ۱- . بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۸۰.
  - ۲- . منتهی الامال، ص ۲۴۴.
  - ۳- . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۴.
  - ۴- . بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۸۳.





فهرست تفصیلی

مرگ	۱۵
انگیزه‌سازی	۱۵
اقناع اندیشه	۱۷
پرورش احساس	۱۹
رفتارسازی	۲۱
روضه	۲۳
قبر	۲۵
انگیزه‌سازی	۲۵
اقناع اندیشه	۲۶
پرورش احساس	۲۹
رفتارسازی	۳۱
روضه	۳۲
برزخ	۳۵
انگیزه‌سازی	۳۵
اقناع اندیشه	۳۷



۱۲۴ ◊ شهد سمن ۴

پرورش احساس	۳۸
رفتارسازی	۴۰
روضه	۴۲
محشر و قیامت	۴۳
انگیزه سازی	۴۳
اقناع اندیشه	۴۵
پرورش احساس	۴۷
رفتارسازی	۴۸
روضه	۵۰
شفاعت و امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	۵۳
انگیزه سازی	۵۳
اقناع اندیشه	۵۴
پرورش احساس	۵۷
رفتارسازی	۵۹
مولودی	۶۱
میزان اعمال ، نامه اعمال ، حوض کوثر	۶۳
انگیزه سازی	۶۳
اقناع اندیشه	۶۵
پرورش احساس	۶۷
رفتارسازی	۶۹
روضه	۷۰

معاد در قرآن \* ۱۲۵

پل صراط	۷۳
انگیزه‌سازی	۷۳
اقناع اندیشه	۷۴
پرورش احساس	۷۶
رفتارسازی	۷۹
روضه	۸۱
جهنم	۸۳
انگیزه‌سازی	۸۳
اقناع اندیشه	۸۵
پرورش احساس	۸۶
رفتارسازی	۸۸
روضه	۹۱
بهشت - شرط ورود ولایت امیرالمومنین <small>علیه السلام</small> ، قسیم النار و الجنة	۹۳
انگیزه‌سازی	۹۳
اقناع اندیشه	۹۴
تحریک احساس	۹۷
رفتارسازی	۹۹
روضه	۱۰۱
ولایت الله و ولایت رسول و ولایت ائمه	۱۰۳
انگیزه‌سازی	۱۰۳

۱۲۶ ◊ شهد سمن ۴

۱۰۴	اقناع اندیشه
۱۰۵	فرق اکمال و اتمام چیست؟
۱۰۷	پرورش احساس
۱۰۹	رفتارسازی
۱۱۰	روضه
۱۱۳	شرایط استجابیت دعا
۱۱۳	انگیزه‌سازی
۱۱۴	اقناع اندیشه
۱۱۶	پرورش احساس
۱۱۸	رفتارسازی
۱۲۰	روضه

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

